



گزارش ویژه

حقوق :: نشریه قضاوت :: اسفند ۱۳۸۱ و فروردین ۱۳۸۲ - شماره ۱۲

صفحات : از ۲۰ تا ۳۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/937474>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- گزارش ویژه: بررسی نقش عوامل موثر در توسعه: دانایی؛ مهمترین ابزار توسعه (بخش پایانی)
- گزارش ویژه: بررسی چالش های پهنه اقتصادی استحکام طلا در بازارهای جهانی (۱)
- در گزارش ویژه ماهنامه «بورس» بررسی شد؛ پیشنهاد ایجاد بازار «سرمایه‌گذاران حرفه‌ای» در بورس تهران
- گزارش های ویژه
- گزارش ویژه: نگاهی به ارزیابی عملکرد بنگاههای اقتصادی: ارزیابی عملکرد؛ راهنمای حرکت از «هست» به «باید»
- گزارش های ویژه
- گزارش ویژه: مشکل شهریه و ثبت نام، امسال هم حل نشد!
- گزارش ویژه: افتتاح سومین نمایشگاه ایران پلاست: مشارکت ایران در صنعت پتروشیمی گسترش می یابد
- دستاوردهای دولت در رشد قابل توجه اشتغال آفرینی مرهون اهتمام ویژه رئیس جمهور شهید است / گزارش وزیر کار از عوامل موفقیت دولت در کاهش نرخ بیکاری
- گزارش ویژه: بودجه سال ۷۷؛ نگران کننده یا سکوی پرش؟

گزارش ویژه

مجمع قضایی نارمک

مجمع قضایی نارمک در یک نگاه

مجمع قضایی نارمک یکی از سه مجتمع شرق تهران می باشد و در خیابان دماوند ابتدای خیابان شهید شجاع الدین دآوری (وحیدیه) واقع شده است و کلا تریهای تایمه آن ۱۲۷، ۱۲۸ و ۱۴۷ می باشد. این مجتمع محدوده شهرداری منطقه ۸ و بخشی از شهرداری منطقه ۱۳ را پوشش می دهد و دارای ۲۶ نفر کادر قضایی و ۹۸ نفر کادر اداری می باشد که از این بین ۴۸ نفر رسمی، ۲۹ نفر پیمانی، ۱۹ نفر روزمزد و ۲ نفر بازنشسته دعوت به کار شده هستند. ۷۷ نفر از پرسنل را آقایان و ۴۷ نفر دیگر را خانمها تشکیل می دهند. میزان تحصیلات کادر اداری ۳۴٪ لیسانس، ۵٪ فوق دیپلم، ۴۶٪ دیپلم، ۱۰٪ سیکل و ۵٪ دارای تحصیلات مقطع ابتدای هستند.

این کمی قضاات به شرح زیر می باشد:

- عباس جمفری دولت آبادی (سرپرست مجتمع) -
- داود احمدی (رئیس شعبه ۷۱۴) - فریدون امیرآبادی
- فرهادی (رئیس شعبه ۷۱۰) - جمشید باقری (دادرس شعبه ۷۱۰)
- سیدحسین بنی حسینی (دادرس شعبه ۷۰۸)
- فرشاد بیضا (رئیس شعبه ۷۰۶) - محمد ترابی دلویی (رئیس شعبه ۷۱۱) - حکیمه جلیلی (قاضی تحقیق اجرای کیفری) - محسن حاجی مرزدارانی (رئیس شعبه ۷۰۷) - فاطمه حسینی (قاضی تحقیق شعبه ۷۱۱) - پرویز خسروخانی (دادرس شعبه ۷۱۴) - حسین خسروی آقباقر (رئیس شعبه ۷۱۲) - حسین دهقان دهنوی (رئیس شعبه ۷۰۴) - عباس ذائقلی (معاون مجتمع و سرپرست اجرای کیفری) - آریتا زهرانی کاخکی (قاضی تحقیق شعبه ۷۱۴) - عبدالرحمن شاه حسینی (دادرس شعبه ۷۰۱) - منصور شوری بندکهل (دادرس علی البدل) - عبدالهوی وقار (قاضی تحقیق اجرای احکام شعبه ۷۰۵) - قدرت اله غلامی (رئیس شعبه ۷۰۵) - محمد هادی فضلعلی (قاضی تحقیق اجرای کیفری) - حسین قادری فر (دادرس علی البدل) - رضا قربانی (دادرس علی البدل) - امیر کوهکن ریزی (دادرس شعبه ۷۰۳) - محسن محمدزاده (دادرس علی البدل) - سوز محمدی قوهکی (معاون مجتمع اجرای مدنی) - بهرام نارایانی (سرپرست واحد ارشاد قضایی)

◀ جلال جعفری - سرپرست دفتر کل مجتمع

عدم وجود سیستم نظارتی فعال

از سال ۱۳۷۱ در دادرسی سابق شمیران شروع به کار نموده و پس از تشکیل دادگاههای عام در سال ۱۳۷۳ به یکی از واحدهای ستادی دادگستری کل استان تهران منتقل و سپس از دیماه سال ۱۳۷۸ در این مجتمع شروع به کار نموده است. طی سه سال گذشته با تدابیر و نظارت مستقیم ریاست محترم مجتمع و همچنین نظر مساعد و پشتیبانی ریاست محترم دادگستری کل استان تهران و معاونت محترم اداری و مالی استان تهران و پیشرفتهای چشمگیری حاصل شده است که اهم آن عبارتند از:

(الف) عملیات ساختمانی:

- ۱- تبدیل ساختمان از حالت مسکونی به صورت کاملاً اداری
- ۲- جمع آوری کمد های فلزی و ایجاد کمد های دیواری شکل و دارای امنیت بیشتر جهت نگهداری پرونده ها
- ۳- سنگ نمودن قسمت پایین دیوارهای راهروها و راه پله های مجتمع به لحاظ استحکام و همچنین زیبا سازی محیط
- ۴- ساختن محل مخصوص جهت نگهداری متهمین اعزامی توسط ضابطین قضائی
- ۵- اختصاص محلی دیگر به صورت جداگانه برای نگهداری زندانیان الزامی
- ۶- ساختن انبار جهت نگهداری اموال متهمین
- ۷- در نظر گرفتن محلی مناسب جهت اجرای احکام شلاق
- ۸- رنگ آمیزی کامل ساختمان
- ۹- تبدیل فضاهای بلااستفاده مجتمع به اطاقهای مناسب اداری
- ۱۰- بازسازی کامل سیستم روشنایی مجتمع

(ب) اقدامات برجسته:

- ۱- تأسیس و راه اندازی دفتر نظارت بر امور زندانیان
- ۲- تشکیل واحد ارشاد و معاضدت قضائی
- ۳- راه اندازی واحد ارتباطات مردمی رایانه ای با ظرفیت نامحدود پذیرش پیام
- ۴- ساماندهی بایگانی
- راکد به نحو بسیار مطلوب
- ۵- نصب صندوق انتقادات و پیشنهادات
- ۶- استقرار نیرو در سالن ورودی مجتمع جهت راهنمایی و ارائه اطلاعات به مراجعین
- ۷- نصب دو دستگاه تلفن عمومی کارتی و سکه ای جهت رفع مشکل ارتباطی مراجعین
- ۸- نصب دستگاههای هوا ساز، آب سرد کن و همچنین قراردادن نیمکت های متعدد به عنوان حداقل امکانات رفاهی برای مراجعین
- ۹- الزام استفاده پرسنل خدمات از لباسهای متحدالشکل مناسب و نصب اتیکت نام و نام خانوادگی
- ۱۰- رایانه ای شدن واحد تاپ استفاده از چاپگرهای لیزری
- ۱۱- استفاده از رایانه در دبیرخانه دفتر کل مجتمع
- ۱۲- تجهیز واحد امور مالی به رایانه و دستگاه نقش تمبر
- ۱۳- تفکیک اجرای احکام کیفری به دو بخش عمومی و چک و جداسازی مجدد بخش زندانیان با

اختصاص نیروهای جداگانه و رایانه ۱۴- اختصاص یک طبقه به شعب حقوقی و اجرای احکام مدنی به لحاظ ارتباط نزدیک کاری و سهولت تردد و دسترس مراجعین
- ۱۵- افزایش تعداد سرویسهای ایاب و ذهاب پرسنل
- ۱۶- دایر نمودن یک باجه از بانک ملی ایران در داخل مجتمع جهت تسریع در انجام کار مراجعین
- ۱۷- تجهیز تمامی شعب و واحدها به گارصندوق، کتابخانه، پرچم رومیزی و نصب عکسهای مقام معظم رهبری و ریاست محترم قوه قضائیه و همچنین بهینه سازی اکثر لوازم اداری فرسوده
- ۱۸- افزایش تعداد خطوط تلفنهای داخلی و مستقیم مجتمع و اتخاذ تدابیر خاص جهت کاهش بار ترافیکی خطوط تلفن
- ۱۹- تشکیل جلسات هفتگی مدیران شعب و سایر واحدها با حضور ریاست مجتمع
- ۲۰- انجام بازرسی داخلی از واحدها و شعب توسط گروه تعیین شده توسط ریاست مجتمع جهت رفع نواقص و انتخاب کارمندان نمونه.

(ج) اقدامات فرهنگی - ورزشی:

- ۱- هماهنگی با یکی از مجموعه های ورزشی جهت استفاده رایگان پرسنل
- ۲- اعزام پرسنل در غالب گروههای چند نفره به مشهد مقدس با هزینه مجتمع
- ۳- برپایی مراسم افطار با حضور پرسنل در یکی از تالارهای پذیرایی
- ۴- راه اندازی دوره های قرائت قرآن تحت عنوان محفل انس با قرآن کریم و تشویق نفرات برتر
- ۵- نصب آیات قرآنی، احادیث و روایات به صورت دوره ای در تابلوهای اعلانات مجتمع
- ۶- فراهم آوردن امکان خرید برخی لوازم خانگی با شرایط بسیار مناسب برای پرسنل
- ۷- هماهنگی و استقرار گروه پزشکی در مجتمع جهت تزریق واکسن پیشگیری از بیماری هپاتیت
- یکی از مشکلات مجتمع نداشتن آسانسور است معمولاً همه روزه شاهد مراجعین از گروه جانبازان عزیز جنگ تحمیلی، افراد مسن، اشخاصی که دارای مشکلات حرکتی به لحاظ صدمات وارده یا دارای نقص عضو مادرزادی هستند می باشیم که با تحمل مشقت فراوان و کمک دیگران در راه پله ها تردد می نمایند و ما هم از معترضین به این وضع معذرت خواهی می نمایم و از بقیه هم خجالت می کشیم. لازم به ذکر است علیرغم صدور دستور اقدام از سوی مسؤولین محترم دادگستری استان و پیگیریهای فراوانی که طی دو سال گذشته انجام داده ایم هنوز آسانسور نصب نشده است.
- سایر مشکلات موجود مختص این مجتمع نیست و دارای عمومیت در سطح دادگستری می باشد که به لحاظ ضیق وقت به صورت خلاصه اعلام می نمایم:
- ۱- تعاونی های مسکن طی چند سال اخیر اقداماتی انجام داده اند ولی تاکنون نتوانسته اند مشکل مسکن پرسنل را حل نمایند. حتی کمکی در جهت رفع مشکل هم انجام نداده اند.
- ۲- حقوق و مزایای اکثر کارمندان به نیمی از خط فقر تعیین شده

نیروهای کارآمد می باشد و بخشی از آن نیز متأثر از اختلافات سیاسی بین احزاب است. ولی در عین حال نقش نیروی انسانی فرهیخته با انگیزه و با تقوی را که مولد وجهه اجتماعی برای هر مجموعه این است نمی توان نادیده گرفت.

در خاتمه از معاونت آموزش دادگستری استان که اقدامات مؤثری در راستای ارتقاء سطح علمی، فرهنگی و تحصیلات کارکنان به عمل آورده و همچنین از مسئولین اداره امور اداری دادگستری استان به لحاظ اینکه علیرغم تراکم کار همیشه با چهره گشاده و تا حد امکان نسبت به رفع مشکلات مجتمع اقدام نموده اند و همچنین از مسئولین اداره خدمات عمومی دادگستری به عنوان یکی از مجموعه های بسیار فعال ولی گمنام تقدیر و تشکر خود را اعلام و از خداوند متعال برای تمامی مسئولین و کارکنان دادگستری آرزوی موفقیت و توفیق خدمت به مردم مسئلت می نمایم.

حسین خسروی، رئیس شعبه ۲۱۲

وقت شعبه ۲۰ روزه

شروع به کار قضائی از سال ۱۳۶۵ و با ۲۲ سال سابقه قضائی دارای تحصیلات لیسانس علوم قضائی و پستهای که تاکنون داشته در آموزش و پرورش و دادیار دادرسی عمومی زابل و حقوقی همان شهرستان و رئیس دادگاه حقوقی که مستقل چابهار و دادرسی دادگاههای حقوق تهران و رئیس دادگاه عمومی تهران.

■ در این شعبه به چه نوع دعوای رسیدگی می نمایند؟
در این شعبه سابقاً به کل دعوای اعم از کیفری و حقوقی به طور عموم رسیدگی شده و لیکن اخیراً با توجه به تخصصی بودن امورات قضائی این دادگاه به شعبه حقوقی اختصاص پیدا کرده و فقط پرونده های حقوقی رسیدگی شود مثل اختلاف ملکی و مالی و امور حسبی و دعوای مالک و مستأجر و سایر دعوای

■ اوقات رسیدگی شعبه چند ماهه است؟
اوقات رسیدگی در این شعبه با تلاش همکاران اداری که در این تکمیل پرونده نقش دارند اوقات رسیدگی به پرونده ها با کسر موجودی در این شعبه بین ۲۰ روز تا یک ماه می باشد.

■ مشکلات رسیدگی در نحوه رسیدگی چیست؟
مشکلات رسیدگی در نحوه رسیدگی یکی امر ابلاغ اخطاریه ها می باشد و در قانون آئین دادرسی مدنی ماده ۶۴ رعایت فرجه روز در این ابلاغ تا وقت رسیدگی لحاظ شده که این امر موجب تجدید وقت شده و به لحاظ وقت کم رسیدگی ایجاد اشکال می نماید دیگری انجام کارشناسی است و بعضاً

هم نمی رسد و از طرفی موضوع خروج از نظام هماهنگ حقوقی و در نظر گرفتن سختی کار مختص پرسنل قوه قضائیه در مقطعی مطرح شد ولی ظاهراً به نتیجه نرسیده است. ۳- پرداخت وام معروف به چهار میلیون تومانی زمانی مطرح شد و مدتی کارمندان در رویاهای خود صاحب منزل، اتومبیل و غیره شدند ولی اکنون چندی پیش از این موضوع می گذرد و هیچ خبری نیست. ۴- در خصوص پرسنل روزمزد صرفنظر از اینکه بعضی از آنها چندین سال است که با همین وضعیت استخدامی خدمت می نمایند. سؤالی مطرح می شود که آنان با حدوداً هشتاد هزار تومان دریافتی و اضافه کاری که چند ماه آن را دریافت نکرده اند چگونه در تهران علاوه بر پرداخت اجاره بهای مسکن و سایر هزینه های جاری از قبیل فرزندان، درمان و غیره زندگی می کنند و حتی چگونه زنده می مانند؟ ۵- موضوع تغییر پست سازمانی کارمندان قدیمی نیز در دادگستری مطرح است که با توجه به بخشنامه های موجود شرایط اصلی ارتقا پست دارا بودن مدرک تحصیلی لیسانس می باشد و ظاهراً سوابق خدمت و تجربیات کاری فرد مؤثر در این زمینه نیست. ۶- حق بهره وری و حق جذب سالجاری کارکنان تا امروز که دهم بهمن ماه است پرداخت نشده است. ۷- عدم توجه به مسائل فرهنگی و تبلیغاتی در مناسبتهای خاص مذهبی و ملی مانند همین ایام ده فجر که پیش رو دارم علیرغم اینکه مهمترین ایام ملی کشور می باشد ولی تا به امروز هیچ اقدامی از سوی واحدهای مربوطه در دادگستری استان مشاهده نکرده ایم. ۸- عدم وجود سیستم نظارتی فعال جهت بررسی عملکرد پرسنل و انمکاس به مراجع ذیربط جهت اعمال تشویق یا تنبیه که منجر به ایجاد انگیزه در کارکنان و جلوگیری از تخلفات احتمالی می گردد.

۹- عدم وجود مجموعه فرهنگی، ورزشی و هنری در دادگستری استان تهران جهت استفاده پرسنل و خانواده های آنان ۱۰- فقدان سیستم اطلاعات و آمار مرکزی مرتبط با رایانه های واحدهای قضائی جهت پاسخگویی به استعلامات، دسترسی به اطلاعات پرونده ها و انجام برنامه ریزیهای کلان و هدفمند برای آینده ۱۱- فقدان کنترل مراجعین به واحدهای قضائی به صورتی که همراهان، دلانان و سایر افراد متصرفه اساساً اجازه ورود به مجموعه های قضائی را نداشته باشند. ۱۲- عدم وجود واحد و یا گروهی خاص جهت مراجعه به تک تک پرسنل دادگستری و انجام مصاحبه با آنها به منظور آگاهی از نظرات، پیشنهادات، انتقادات سازنده و همچنین مشکلات و نهایتاً جمع بندی مذاکرات و انعکاس نتایج حاصله به مسئولین مربوطه.

البته بدیهی است که بسیاری از مشکلات دادگستری ناشی از کمبود بودجه، امکانات و



حسین خسروی



محمود محمدی

کارشناسان منتخب با تأخیر در موضوعات خواسته شده اظهار نظر می نمایند و علاوه بر آن عدم آشنایی اصحاب دعوی از اصول و مقررات قانونی که در امر رسیدگی به لحاظ طرح غیر صحیح دعوی موجبات تراکم پرونده و اشکالات در رسیدگی را فراهم می آورد. که در این باب با وجود قسمت ارشاد قضائی در مجتمع که راه اندازی شده تا حدودی این مشکل رفع شده است.

■ آیا دعاوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی و اعسار از پرداخت محکوم به دعوت از سرپرست مجتمع قضائی به عنوان خواننده دعوی لازم است یا خیر؟ چرا؟ در دعاوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی دعوت از سرپرست مجتمع قضائی به عنوان خواننده در قانون آیین دادرسی مدنی مسکوت مانده است و ذکر آن از طرف دعوی قرارداد سرپرست مجتمع به عمل نیامده و یعنی سکوت موجب اختلاف گردیده و برخی از همکاران قضائی بر این نظرند که رئیس دادگاه نماینده دولت می باشد و نیازی به طرح دعوی به طرفیت سرپرست نمی باشد و برخی هم بر این نظرند که حتماً باید دعوی به طرفیت سرپرست مجتمع طرح شود. در رابطه با محکوم به و اعسار از آن فقط به طرفیت خواننده طرح شود و ارتباطی بر طرح دعوی به طرفیت سرپرست مجتمع ندارد.

■ دعوائی که برای آن توسط داور صادر شده و پس از قطعیت رأی اجرائیه نیز صادر شده است و قسمتی از عملیات اجرائیه نیز انجام شده آیا رئیس دادگاه که اجرائیه تحت نظر وی اجرا می شود می تواند اظهار نظر کند که قسمتی از اجرائیه جنبه اعلامی دارد و قابلیت اجرا؟

لازم به ذکر است با نظر به ماده ۴ قانون اجرای احکام مدنی در مواردی که حکم یا (رأی داور) جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند به رأی داور، اجرائیه صادر شده و قسمتی از آن اجراء می گردد و کاشف به عمل می آید که قسمتی از اجرائیه اعلامی است و مستلزم انجام عمل از طرف محکوم علیه نمی باشد دادگاه با توجه با ماده ۱۱ قانون فوق که اشعار دارد (هرگاه در صدر اجرائیه اشتباهی شده باشد دادگاه می تواند راساً یا به درخواست هر یک از طرفین یا اقتضای مورد اجرائیه را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرائیه را الغاء کند در دستور استرداد مورد اجراء دادگاه با رعایت این ماده ۱۱ نسبت به آن قسمتی که جنبه اعلام دارد بشرح داده شده آن قسمت از اجراء که جنبه اعلامی دارد عملیات اجرائی را الغا و نسبت به سایر قسمت اجرائیه که انجام عملیات آن شروع شده است و متضمن انجام عمل از سوی محکوم علیه است ادامه می یابد هم مثل فسخ یا خلع ید که اجرائیه ندارد چنانچه اجرائیه صادر شده باشد دادگاه می تواند نسبت به فسخ اجرائیه را لغو نماید ولی نسبت به خلع ید اجراء حکم ادامه یابد.

■ وفق مقررات ماده ۳ قانون روابط مؤجر و مستأجر در صورت تقاضای تخلیه از طرف مؤجر طرف یک هفته می باید دستور تخلیه صادر شود لیکن در ماده ۸ آئین نامه اجرائیه همین قانون مدت ۳ روز قید شده است به نظر شما کدام یک باید اجرا شود؟ چرا؟ طبق ماده ۳ قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶ پس از انقضای مدت اجاره و تقاضای مؤجر جهت تخلیه مهلت مقرر قانونی برای صدور دستور تخلیه اجرای آن دستور مجزوعاً یک هفته می باشد و مهلت سه روز، مقرر در ماده ۸ آئین نامه اجرائیه قانون مزبور آمده این است که در صورت عدم حضور مستأجر یا استتکاف اشخاص حاضر می باشد این مهلت مازاد بر مهلت یک هفته ای مقرر در قانون فوق نبوده بلکه در ظرف همان مهلت ۷ روزه محاسبه می گردد. عملیات اجرائی باید در ظرف یک هفته تمام شود.

■ با توجه به قسمت اخیر ماده ۱۴۶ قانون اجرای مدنی مدعی حق، برای جلوگیری از عملیات اجرائی و اثبات ادعای خود می تواند به دادگاه شکایت کند نظریه اینکه برخی افراد برای تعویق انداختن عملیات اجرائیه دست به طرح چنین شکایاتی می کنند آیا برای رسیدگی به اعتراض شخص ثالث اصل پرونده اجرائی باید به دادگاه ارسال شود برای جلوگیری از سوء استفاده چنین افرادی چه پیشنهادی دارید؟

در رابطه با سؤال این که برخی افراد برای به تعویق انداختن عملیات اجرائی با اعلام شکایت و ارسال پرونده اجرائی به دادگاه موجب تضییع حق می گردد و برای جلوگیری از این امر و ارسال بلاجهت پرونده به دادگاه قانون اجرای احکام مدنی (مواد ۱۴۶ و ۱۴۷) راهکار لازمه را ارائه کرده است بدین ترتیب چنانچه ادعای شخص ثالث به حکم قطعی یا سند رسمی باشد آن هم چنانچه تاریخ آن مقدم به تاریخ توقیف باشد توقیف توسط اجراء یا احراز آن علی الاصل رفع می شود و نیازی به ارسال پرونده به دادگاه نمی باشد اما در جاتی که شکایت شاکی به استناد سند عادی است و به دادگاه شکایت می نماید و اعلام می دارد که از اجرای حکم به حق وی خلل وارد شده دادگاه برای احراز آن لازم است که پرونده اجرائی را مد نظر نماید و با صدور قرار ملاحظه پرونده اجرائی و وصول پرونده و با نظر به اینکه رسیدگی به این گونه شکایات تابع مقررات قانون آیین دادرسی مدنی نمی باشد می تواند در هر محل وفق مقررات رسیدگی نماید بلافاصله پرونده را ملاحظه نماید و چنانچه دلایل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرائی را صادر می نماید لیکن چنانچه دلایل شاکی مستدل نبود و کافی به نظر نرسید با اخذ تصمیم پرونده اجرائی را بلافاصله به اجرای احکام اعاده می نماید و نیازی به صدور قرار توقیف عملیات اجرائی نمی باشد.

■ چنانچه نظر خود را در خصوص بهبود تشکیلات

قضای بیان فرمائید؟

لازم است از نیروهای جدید برای کادر اداری و قضائی استفاده شود و به استخدام درآیند چون که نیروهای اداری و قضائی در حال حاضر با این تراکم پرونده ها و مراجعین تکافوی پاسخ و انجام وظیفه به نحو مطلوب را نداشته و کمیت کار در کیفیت در رسیدگی و انجام امور محوله تأثیر دارد و ایجاد قسمتهای ارشاد و معاضدت قضائی در مراجع قضائی و تخصصی نمودن محاکم قضائی (در حال حاضر) و مآلاً با اجرای قانون احیاً دادرسی این امر تحقیق پذیرد و توجه به وضع معیشتی کادر اداری و قضائی در قوه قضائیه به نظر اینجانب تا حدودی هم نکاتی که در بهبود تشکیلات قضائی مؤثر است موارد فوق می باشد.

محمود محمدی - معاونت قضائی و سرپرست اجرای احکام مدنی

دادسرا بتدریج ایجاد شود

دارای لیسانس علوم قضائی کار قضائی را از سال ۷۴ شروع نموده و در سمت های قاضی تحقیق دادگاه عمومی ابهر، دادرسی دادگاه عمومی ابهر، دادرسی دادگاه رباط کریم، شعبه دادگاه عمومی رباط کریم، دادرسی دادگاه عمومی تهران، معاونت قضائی مجتمع فعالیت داشته است.

■ چند پرونده اجرائی در اجرای احکام دارید؟ چه نوع پرونده های اجرائی مطرح است؟

پرونده های جریانی اجرای احکام مدنی طبق آخرین آمار ۳۳۳۸ پرونده است که عمدتاً پرونده هایی از قبیل تخلیه، خلع ید، قلع و قمع، مطالبه وجه، فروش مال مشاعی و اجرائی قراردادی تأمین خواسته می باشد.

■ آیا پرونده بلا تکلیف در این قسمت دارید؟ بله پرونده هایی که مربوط به سالیان گذشته است و معمولاً محکوم له و محکوم علیه توافق کرده اند و مفاد اجرائیه و حکم دادگاه اجرا شده است لیکن نیم عشر آن پرداخت نشده و چون نشانی محکوم علیه عوض شده و دسترسی به ایشان ممکن نیست پرونده بلا تکلیف می ماند.

■ آمار اجرای احکام مدنی چگونه است ماهانه معمولاً چند پرونده وارده و چند پرونده مختومه می نماید؟ به طور میانگین ماهانه بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ پرونده اعم از اجرائیه و یا قرار تأمین خواسته وارده اجرای احکام است که بین ۲۰۰ تا ۲۲۰ پرونده نیز مختومه می شود و همه ماهه به طور میانگین بین ۱۵ تا بیست پرونده از آمار موجودی کسر می شود.

■ در خصوص اجرای احکام مدنی با چه مشکلاتی روبرو هستید؟

بیشترین مشکل اجرای احکام در خصوص دستورات تخلیه قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۷۶/۵/۲۶ است که مطابق ماده ۸ آئین نامه اجرایی این قانون باید ظرف ۲۴ ساعت دستور تخلیه به مستأجر ابلاغ و ظرف سه روز اجرا شود که این امر برای مستأجرین بسیار سخت است و اجرای احکام را با مشکل روبرو می کند.

■ در زمان اجرای احکام مدنی یا ادارات یا سازمانهای دیگر مشکلائی دارید یا خیر؟

مشکل خاصی در اجرای قانون نداریم لیکن در خصوص عدم تخصص نمایندگان حقوقی ادارات مشکل داریم که اگر نمایندگان حقوقی ادارات از تخصص کافی برخوردار باشند اجرای قوانین ساده تر و به راحتی انجام می شود.

■ برای اجرای احکام دادگاه ها چه مدت زمان نیاز است؟

در اجرای احکام مدنی نارمک، وقت اجرا بین ۳ تا ۵ روز است و در اسرع وقت احکام دادگاهی اجرا می شود.

■ آیا حکم اعسار غیر قطعی لازم الاجرا است؟

به نظر من به محض صدور حکم اعسار باید اجرا شود و چنانچه محکوم علیه در راستای اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی در حبس باشد باید فوراً آزاد شود همانگونه که در امور کیفری به محض صدور حکم براءت یا قرار منع تعقیب متهم آزاد می شود به عبارت دیگر اصل بر آزادی افراد است حال ممکن است این سوال پیش آید که اگر حکم اعسار در دادگاه تجدیدنظر نقض شد تکلیف چیست که می شود در این حالت مجدداً محکوم علیه را جلب و به زندان اعزام نمود.

■ در ختم کلام نظرات و پیشنهادات خود در خصوص ساختار تشکیلات قضائی کشور بیان فرمائید؟

به نظر اینجانب آنچه همیشه دستگاه قضائی نیازمند آن است وجود قضات مجرب می باشد که باید مسؤلیت در حفظ قضات با سابقه تلاش کنند و امکاناتی فراهم کنند که باعث جذب قضات شود و از رفتن ایشان جلوگیری کند و اما اکنون که در آستانه تشکیل دادرسی هستیم مسؤلیت و متولیان امر با توجه به کمبود کادر قضائی باید دقت کنند که ایجاد دادرسیها به تدریج انجام شود و قبل از هر چیز نیروی انسانی تأمین شود.

■ آیا در اجرای احکام مدنی کسی هم زندانی می شود؟ چه تعدادی زندانی وجود دارد؟

بله به موجب ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ هرکس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود و تأدیبه نماید دادگاه او را الزام به تأدیبه می نماید و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت استفا می نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له منتفع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان

تأدیبه حبس خواهد کرد. در همین راستا حدود ۷۰ نفر زندانی هستند که نزدیک به پنجاه نفر از ایشان قبلاً از طریق مجتمع های قضائی دیگر به زندان اعزام شده اند و مابقی ابتدا از طریق اجرای احکام مدنی مجتمع قضائی نارمک به زندان اعزام شده اند برای هر کدام از زندانیان یک جلسه برگزار شده و از محکوم له پرونده نیز دعوت می شود چنانچه به توافق برسند آزاد می شوند یا اینکه دادخواست اعسار بدهند و تا زمانی که حکم اعسار ایشان از ناحیه دادگاه صادر نشود در زندان می مانند.

■ در اجرای احکام مدنی کارآموز هم هست یا خیر؟ در اجرای احکام مدنی کارآموزان قضائی و کانون وکلأ و مشاورین موضوع ماده ۱۸۷ قانون توسعه حضور دارند که به صورت منظم موظف به حضور و مطالعه پرونده ها هستند و چنانچه سوالی داشته باشند پاسخ داده می شود و دفتر حضور و غیاب برای این امر تشکیل شده و همه روزه موظف به دریافت پرونده با امضای رسید آن هستند.

◀ محمد ترابی - رئیس شعبه ۲۱۱

دادسرای مقتدر پایان نابسامانی ها

دارای لیسانس حقوق از دانشکده علوم قضائی و از سال ۱۳۷۴ شروع به کار قضائی نمودم و تاکنون در سمت های قاضی تحقیق، قاضی ناظر زندان دادرس علی البدل و رئیس شعبه ۳۶ محاکم عمومی کرج و در حال حاضر نیز به عنوان رئیس شعبه ۲۱۱ دادگاه های عمومی تهران مشغول خدمت می باشم.

■ چه نوع دعوای در این شعبه رسیدگی می شود؟ این شعبه اختصاص به دعوی کیفری دارد و چون تمام شهر تهران یک حوزه قضائی است و تأسیس مجتمع های قضائی از باب تقسیم کار می باشد بنابراین هر نوع جرمی که در حوزه قضائی تهران به وقوع پیوسته باشد چنانچه به شعبه ارجاع شود در صورت داشتن صلاحیت مکلف به رسیدگی می باشم.

■ اوقات رسیدگی چند ماهه است؟

حدود یک سال و اندی است که بنده تصدی این شعبه را عهده دار شده ام در بدو شروع به کار موجودی شعبه ۲۸۰ فقره پرونده بوده که اکنون به تعداد ۱۳۰ فقره کاهش یافته است و معمولاً بنده پرونده هایی که بُعد تصمیم گیری و بایست در وقت فوق العاده مبادرت به صدور رأی می نمایم و به همین علت اوقات رسیدگی معمولاً یک ماهه می باشد به جز پرونده هایی که نیاز به نشر آگهی دارند به منظور رعایت ماده ۱۱۵ ق. آ. د. ک. ناچاراً وقت طولانی تری تعیین می گردد.

■ تعداد زندانیان و نحوه نظارت بر آنها چگونه است؟ همانگونه که استحضار دارید یکی از اهداف تحمیل مجازات اصلاح فرد مجرم می باشد و چون در موقعیت کنونی وضعیت زندانی مطلوب نیست به عقیده بنده تعیین مجازات حبس جزء برای مجرمین سابقه دار نه تنها مؤثر نبوده بلکه مشکل ساز و تبعات خاص خود را به دنبال خواهد داشت و به همین منظور حتی الامکان به اعمال اختیارات قانون از مجازاتهای جایگزین استفاده نموده و در حال حاضر سه پرونده زندانی دار بیشتر نداریم و در مورد نحوه نظارت بر پرونده های زندانی دار جا دارد از حسن مدیریت و احساس مسؤلیت سرپرست محترم مجتمع جناب آقای جعفری تقدیر و تشکر نمود زیرا ایشان با حساسیت و دقت خاص بر تمامی پرونده های زندانی دار شعب مجتمع نظارت دارند و چنانچه زندانی مشکل در روند رسیدگی داشته باشد شخصاً وی را از زندان احضار و با پیگیری از طریق شعبه مربوطه مشکل وی را مرتفع می نمایند.

■ پرونده های که موضوع آن قتل عمد بوده و متوفی مجهول الهویه باشد آیا اعسار محکوم علیه قابلیت پذیرش دارد یا خیر؟

چنانچه مقتول مجهول الهویه باشد در واقع اولیاء دم وی معلوم نیست در این صورت ولی امر مسلمین ولی دم مقتول برده و ریاست محترم قوه قضائیه با استیذان از ولی امر و تفویض اختیار و رؤسای دادگستری تعقیب مجرم را عهده دار می باشند و بالتبع در صورت مطالبه وجه از سوی آنان و صدور حکم بر محکومیت متهم، چنانچه محکوم علیه قدرت و تمکین مالی از حیث پرداخت محکوم به را نداشته باشد و می تواند در اجرای ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی دادخواست اعسار تقدم نماید. ختم کلام: اکنون که حدود هشت سال از تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب می گذرد خلأ نهاد دادرسی حتی بر طرفداران طرح حذف آن مبرهن گشته که امیدواریم با تشکیل دادسرای مقتدر به نابسامانی و بهم ریختگی ها، که باعث نارضایتی مردم گردیده پایان داده زیرا در حال حاضر تراکم کار به حدی است که دادگاهی ناچاراً به جای نهاد دادرسی از نیروی انتظامی جهت تکمیل پرونده و تحقیقات، استفاده نمود و چون آنها نیز از نیروی متخصص کافی برخوردار نمی باشند اغلب کارهای محوله توسط وظیفه انجام گیرد که این امر مشکلات فراوانی را برای مردم و دادگاهها ایجاد نموده است. مشابه دیگر خروج قضات با تجربه از دستگاه قضائی و متصدی گری آنان در سایر مشاغل و حرفه هاست که علت آن نداشتن وضعیت رفاهی مناسب و فشار طاقت فرسای کار بوده که توجه مسؤولین امر برای چاره اندیشی و اتخاذ تدابیر لازم را می طلبد و الا ضربه سنگینی را دستگاه قضائی با از دست دادن نیروی متخصص خود متحمل خواهد گشت.

محمد هادی فضلعلی - قاضی تحقیق اجرای احکام کیفری (امور زندانها)

اجرای احکام اختیار تقسیط جزای مالی ندارد

متولد ۱۳۵۶ - فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران - دو سال سابقه قضائی (قاضی تحقیق) قاضی اجرای احکام. از آذر ماه ۷۹ تا بهمن ۸۰ در استان آذربایجان شرقی - شهرستان استان بستان آباد، از بهمن ماه ۸۰ تاکنون در مجتمع قضائی نارمک (اجرای احکام کیفری) مشغول به خدمت می باشد.

اجرای احکام: نتیجه تلاش چندین ماهه دادگاهها در جریان تعقیب و رسیدگی پرونده ها، نهایتاً در برگ دادنامه خلاصه و متعکس می شود. لذا اجرای صحیح احکام صادره اهمیت زیادی دارد بنابراین واحد اجرای احکام موظف است مفاد دادنامه ها را در کوتاه ترین زمان ممکن به مرحله اجرا برساند. اگر پرونده ای بعد از ماهها به مرحله صدور حکم برسد ولی حکم اجرا نشود و مجرم بتواند از اجرای حکم رهایی یابد، آثار نامطلوبی در جامعه خصوصاً در روحیه شاک و تعظم خواه دارد.

بخش زندان: در مجتمع قضائی نارمک، به منظور تسریع و تسهیل در اجرای احکام، از مدت ها قبل پرونده های مربوط به چک در بخش مجزایی مورد اقدام قرار می گرفت. در همین راستا در بخش غیر چک نیز از حدود شش ماه قبل، به منظور افزایش سرعت و دقت در انجام امور مربوط به زندانیان، قسمتی از اجرا به پرونده های زندانی دار اختصاص یافت. بایگانی پرونده های زندانی دار و امور دفتری آن از سایر قسمتها تفکیک شده و نهایتاً کلیه امور اجرایی مربوطه زندانیان از ابتدا تا انتها در این قسمت متمرکز گردید بعد از تفکیک، با توجه به محدود شدن چرخه گردش پرونده های زندانی دار در یک مجموعه کوچکتر (مرکب از یک قاضی و دو کارمند) تسلط و اثرات بیشتری نیز حاصل شد که در نتیجه آن امور اجرایی زندانیان به نظم و رونق رضایت بخش رسید. در حال حاضر کلیه تقاضاهای تخفیف مجازات، آزادی مشروط، ادغام محکومیت ها مشابه و . . . در کوتاه ترین زمان جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم به دادگاههای بدوی و تجدیدنظر ارسال می شود به محض اعاده پرونده مفاد حکم سریعاً به زندان ابلاغ می شود خوشبختانه همکاران محترم قضائی در محاکم نیز خوب است و آن هم پرونده های زندانی دار و در اسرع وقت و خارج از نوبت، مورد رسیدگی قرار می دهند.

در واحد اجرا ضمن توجه به اعتبار احکام و ضرورت اجرای صحیح و کامل آنها، تلاش می شود

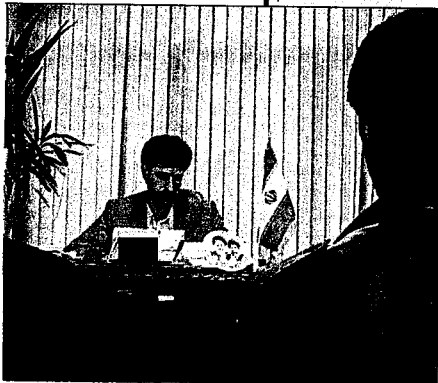
از طریق گفتگو بین شکات و محکومان، مقدمات مصالحه و سازش بین آنان فراهم گردد، زندانیان بتوانند از مزایای تخفیف مجازات، آزادی مشروط و . . . نیز بهره مند شوند. ضمناً علاوه بر مکاتبات با زندان در موارد لزوم تلفنی هم صحبت می شود تا به جای مکاتبات مکرر و طولانی مدت، برخی ابهامات از این طریق منع شود.

مشکلات اجرا: ۱- تأخیر در پاسخ به مکاتبات و استعلامها ۲- تأخیر در اعلام آزادی محکومان ۳- عدم اطلاع واحد اجرای احکام از مرخصی زندانیان ۴- نحوه تقویم محکومیتها

تقویم محکومیتها: یکی از مشکلات عملی اجرای احکام زندانیان، نحوه اجرای محکومیتهای متعدد حبس و فرار نقدی توأم می باشد. رویه زندانها این است که کلیه حبسها را اجرا می کنند پس از آن حبسهای بدل از جزای نقدی را محاسبه می نمایند هیچ متن قانونی که مجوزی برای چنین نحوه محاسبه داده باشد، در دست نیست و حتی از جهاتی خصوصاً هنگام بررسی درخواست عفو ممکن است به ضرر زندانی هم باشد، لیکن از طرف دیگر چون رویه تمام زندانها این است، اگر اجرای احکام بخواهد برخلاف آن احراز ورزد، موجب بروز اشکال در سیستم تقویم زندان می شود.

بهرتر این است که قانون تصریحاً تکلیف را روشن کند. ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی: این قانون مخالفان و موافقان زیادی دارد به نظر می رسد نسخ آن در شرایط فعلی به مصلحت اجتماع نیست. در وضعیت حاضر که امکان حبس از ادای حقوق ملی وجود دارد، با هم بسیاری از افراد به حقوق خود نمی رسند. معلوم نیست اگر این مقررات لغو شود، چه وضعی پیش خواهد آمد.

قانون باید بر حمایت از همه گروههای اجتماعی برخیزد رها کردن محکومان مالی چندان هم مصلحت آن نیست وضع طلبکاران گرفتار هم باید مورد توجه قرار گیرد به هر حال کسانی که عاجز از پرداخت هستند، می توانند دادخواست اعسار بدهند و کسانی که استنفک از پرداخت می کنند هم بازداشت می شوند. تقسیط جزای نقدی (موضوع بخشنامه جدید قوه قضائیه) در قوانین فعلی پیش بینی نشده فقط در قسمت مربوط به آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی به طور کلی بود اشاره قرار گرفته تکلیف فعلی ما بر اساس ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی حبس بدل از جزای نقدی است که برای افراد عاجز از ادای جرایم پیش بینی شده بنابراین تقسیط جرمه با این قانون مغایرت دارد به همین دلیل بود که آئین نامه اجرایی قانون مذکور در آن قسمت که تقسیط جزای نقدی را تجویز کرده بود، توسط دیوان عدالت اداری ابطال شد به هر حال، اجرای احکام در زمینه تقسیط جزای نقدی اختیاری ندارد و مکلف است در صورت عجز محکوم از پرداخت آن، موضوع را به



▲ محمد ترابی



▲ محمد هادی فضلعلی

اطلاع دادگاه برساند. دادگاه هم راه دیگری جز تجویز مقررات ماده یک پیش رو ندارد.

مرخصی زندانیان: اساساً در اجرای احکام صادره که یکی از شیوه‌های جدید آن که امروزه باب شده و تشویق می‌شود، اعطای مرخصی‌های مکرر به زندانیان است، باعث تزلزل در اعتبار احکام دادگاه‌ها می‌شود. متأسفانه مواردی شنیده شده که بعضی محکومان بخش قابل توجهی از محکومیت خود را در مرخصی بوده‌اند. اعطای مرخصی باید ضابطه مند، متعادل و در حدی باشد که برای محکوم فرصت و امکان مذاکره با شاکی و تلاش برای جبران ضرر و زیان شکات یا رسیدگی فوری به امور خانوادگی زندانی فراهم شود.

مجازات‌های جایگزین: اخیراً به لحاظ وضع نامطلوبی که زندانیان از لحاظ تراکم جمعیت و وجود بیمارها دارند، توصیه‌های زیادی از طرف مسئولان قوه قضائیه به استفاده محاکم از مجازات‌های جایگزین حبس می‌شود. گذشته از این که تعیین مجازات جایگزین حبس، در حال حاضر مبنای قانونی ندارد، با مصالح دستگاه قضائی هم چندان سازگار نیست. برای مبارزه با این مشکلات باید سازمان زندانیان را از لحاظ بنیه مالی و نیروی انسانی تقویت و پشتیبانی کرد و با مخالفت از ورود مواد مخدر به زندانیان، کنترل بیماریهایی مسری، طبقه بندی زندانیان بر اساس جرایم ارتكابی و شخصیت آنها، همچنین تأسیس و احداث زندانهای جدید و مطابق با استانداردهای مطلوب و نیز احداث زندانهای باز و مراکز بازپروری و تقویت امور فرهنگی در زندانیان، وضع فعلی زندانیان را اصلاح نمود و سامان داد. توصیه و تشویق قضات به عدم تعیین مجازات حبس - صرفاً به لحاظ تراکم زندانیان و مشکلات درون آن، خصوصاً در مورد مجرماتی که با نادیده گرفتن قانون و اخلاق، به حقوق مردم تجاوز کرده‌اند، نوعی سطحی نگری و در واقع به منزله نادیده گرفتن مصالح کلی اجتماعی و به اصطلاح «پاک کردن صورت مسأله» است. هر چند اقتدار قوه قضائیه با تعیین مجازات‌های سنگین چون حبس و تبعید تأمین نمی‌شود، لیکن برخورد ضعیف با ناقضان قوانین و متجاوزان به حقوق جامعه نیز به مصلحت نیست.

◀ داود احمدی - رئیس شعبه ۲۱۴

موجودی شعبه
اول ۱۰۰۰، اکنون ۱۴۰

دارای ۲۲ سال سابقه که ۱۱ سال در پلیس قضائی و در ادامه آن مشغول به کار قضائی شده و داری کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی است بدو در دادگستری اسلامشهر، در مدت چهار سال است که

در مجتمع قضائی نارمک فعالیت می‌نماید. موجودی شعبه ۲۱۴ در ابتدا ورود ۱۰۰۰ ققره پرونده بود که با کمک همکاران تقلیل یافت و با وجود ۳۰۰ الی ۴۰۰ ققره ارجاع پرونده در ماه، موجودی شعبه در حال حاضر ۱۴۰ ققره بود و تاریخ رسیدگی شعبه یک ماهه است.

■ با عدم تشکیلات دادسرا در رسیدگی به پرونده‌های کیفری با چه مشکلاتی روبرو می‌باشید؟
در نبود دادسرا مشکلات فراوانی بر محاکم ایجاد شد که متأسفانه به جای رفع معایب دادسراها حذف گردید و الان تمام مشاغل به صورت تخصصی می‌باشد و در هر شعبه و شاخه علم تخصص‌ها نمود دارد مثلاً یک فرد نمی‌تواند در همه رشته‌های علوم و فنون و حقوق متخصص باشد و مشکلاتی که در نبود دادسرا نمود پیدا می‌کند شلوغی دادگاهها و نبود آرامش در اتخاذ تصمیم می‌باشد و لکن با قانون حذف دادسرا به نظر می‌رسد مسئولین محترم قوه قضائیه با درایت کافی سعی دارند که وقتی کلیه امکانات از جمله امکانات اداری مالی و کادر متخصص داوطلب بر حد اندازه و کافی موجود گردید با رفع نقص و جامع نگر قانون دادسرا را تشکیل دهند و به نظر می‌رسد که با وجود کمبود امکانات ساختمانی و کمبود نیروی انسانی قصد تشکیل سریع دادسرا نمی‌باشد.

اگر احیا دادسرا از لحاظ کارشناسانه عمل گردد کلیه کمبودهای ساختمانی نیروی متخصص داوطلب به خدمت در دادسرا حل گردد. اشکالات قانونی آن نیز برطرف گردد تا حد زیادی مشکلات دستگاه قضائی به فضل و لطف خداوند حل خواهد گردید.

■ خصوص پیشگیری از جرائم قوه قضائیه باید چه تمهیداتی را بباندد؟

اگر همکاری قوای سه گانه از لحاظ اصلاح ساختار اقتصادی و رسیدگی به معیشت زندگی مردم و مشکل اشتغال جوانان و مشکلات بهداشتی و مسکن و آموزش مردم حل نگردد قوه قضائیه در رسیدن اهداف خود موفق نخواهد شد.

■ در حوزه قضائی تحت نظارت شما چه معضلاتی در رسیدگی بر پرونده‌ها وجود دارد؟

مجتمع قضائی نارمک در محلی قرار دارد که هموطنان آرامنه سکونت دارند و مشکلات و دعاوی خود را در محاکم مطرح می‌نمایند یکی از مشکلات برابری دبه اقلیت‌های دینی با مسلمانان بوده که با همت رئیس قوه قضائیه و طرح این مشکلات تقلیل پیدا کرده و شکل دیگر سرفتهای فراوان است که با توجه به بافت جمعیتی و محل نظام آباد، مجیدیه و وجود عده‌ای معدود اراذل و اوپاش که انشاء اله به همکاری نیروی انتظامی و قوه قضائیه رفع مشکلات تحقق یابد.

در پایان عرض کنم قشری که در دستگاه قضائی به عنوان کارمند قاضی خدمت می‌نمایند از اقبال سخت کوش و مستضعف جامعه می‌باشند که نیاز



داوود احمدی ▲



فریدون امیرآبادی فراهانی ▲

به رسیدگی و وضعیت آنها امر ضروری است و همچنین در خصوص دوره‌های آموزش ضمن خدمت اقداماتی صورت گرفته و لکن کافی نبوده و باید توجه بیشتری به این امر گردیده و امتیازات خاص برای افرادی که این دوره‌ها را می‌گذرانند برای آنها مدنظر قرار گیرد و در خصوص افرادی که تحصیلات تکمیلی را طی می‌نمایند مساعدت دستگاه ضرورت دارد که با توجه به تدبیر و سیاست رئیس محترم مجتمع نارمک آقای جعفری رسیدگی پرونده‌ها به روز شده است و تمام مدت وقت خود را سرگرم رفع مشکلات مردم می‌نماید که از ایشان کمال تشکر را دارم.

فریدون امیرآبادی فراهانی - رئیس شعبه ۲۱۰

جذب فارغ التحصیلان حقوق به نیروی انتظامی

متولد ۱۳۴۵ فارغ التحصیل دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری دارای ۱۶ سال سابقه کار از سال ۷۲ کادر قضائی را به عنوان دادرسی بخش شهرستان تمین از استان اردبیل شروع نمود. تا سال ۱۳۷۶ به مدت چهار سال دادرسی آن شهرستان بوده به مدت یک سال نیز دادرسی شهرستان اردبیل از سال ۷۷ تا سال ۱۳۸۰ به عنوان رئیس شعبه دوم شهرستان اردبیل انجام وظیفه کرده و از مهر سال ۸۰ به عنوان دادرسی شهرستان تهران در مجتمع قضائی نارمک بوده و به مدت یکسال مسؤلیت شعبه ۷۱۰ این مجتمع عهده دار بوده است.

چه نوع پرونده‌هایی به این شعبه ارجاع می‌گردد؟
عده پرونده‌های ارجاعی این شعبه سرقت و پرونده‌های منکراتی، تصادفات، و بعضاً چک می‌باشد بیش از نصف پرونده‌های ارجاعی را سرقت تشکیل می‌دهد و مسائل منکراتی هم که عبارتند از مزاحمت به بانوان، روابط نامشروع، فرار از منزل، خاتمه فساد، استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره، برپایی مجالس قمار، خرید و فروش و حمل و نگهداری مشروبات الکلی و شرب خمر، برگزاری پارتی و جشنهای خصوصی شبانه، زنانی که بدون حجاب شرعی و مردمان در معابر عمومی ظاهر می‌شوند، زنا، لواط، تهیه و توزیع نوارها و دیسکتهای مبتذل و مستهجن به این شعبه ارجاع می‌گردد. از بین جرائم نامبرده بیشترین آمار در خصوص مشروبات الکلی است اعم از خرید و فروش و نگهداری و شرب، و روابط نامشروع.
به نظر جنابعالی علل فرار از منزل چه می‌تواند باشد؟

در خصوص پاسخ به سؤال فوق مقدمتاً عرض کنم که ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی رفع تبعیضات ناروا و ایجاد

امکانات عادلانه برای همه آحاد ملت در تمام زمینه‌های مادی و معنوی بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفیع و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، بیمه، جز با فراهم آوردن شرایط ظهور و بروز اقتصادی سالم و پویا که از اهم وظایف حکومت اسلامی است فراهم نخواهد شد، محرومیت از حقوق اجتماعی بر اثر فقر و نداری بستر هر نوع بروز بزه‌ی است. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «کاد الفقر ان یکون الکفر» نزدیک است که فقر به کفر بینجامد» خوب وقتی یک انسان ایمان خود را از دست داد. مرتکب هر نوع گناهی ممکن است بشود کمبود عاطفی شرایط نامناسب زندگی در خانه به علت فوت، جدایی و یا ازدواج مجدد یکی از والدین، فشارهای روانی ناشی از اختلاف پدر و مادر، سطح تحصیلات پایین والدین، درآمد ناچیز، جمعیت زیاد در خانواده، سردی عواطف اعضای خانواده را می‌توان از اصلی‌ترین علل فرار دختران از منزل دانست بسیاری از افراد به علت نداشتن سرپرست اسیر باند‌های تبهکاری می‌شوند. آسیب پذیری آنان بیشتر از این جهت است که چون والدین آنها را سرپرستی نمی‌کنند سرپرستی آنها به عهده یک عده از بچه‌های گروه همسال یادو سه، سال بزرگتر است و معمولاً مورد تجاوز ضرب و جرح فراوان و طرد اجتماعی قرار می‌گیرند چون کمبودهای عاطفی شدید پیدا می‌کنند معمولاً این کمبودهای عاطفی آنها را دچار مشکلاتی، چون ناسازگاریهای رفتاری و اختلافات روانی و رفتاری می‌نمایند.

یکی از انواع پرونده‌هایی که فرمودید به این شعبه ارجاع می‌گردد پرونده تهیه و توزیع نوارها و دیسکتهای مبتذل و مستهجن می‌باشد، بفرمایید چه افرادی دست به این کارها می‌زنند و چگونه می‌توان این نوع پرونده‌ها را ریشه کن کرد؟

ما وقتی علل و ریشه‌های هر جرمی را بررسی می‌نماییم می‌بینیم بی‌کاری نقش عمده را بازی می‌نماید در صورتی که محیط کار سالم مهیا باشد و تعداد بیکاران در جامعه اندک باشند به نظر اینجانب موضوع رنگ کمتری بخود خواهد گرفت. معصوم (ع) می‌فرماید: «من لا معاش له من لا معادله» استکبار جهانی و آمریکا با برنامه ریزیهای دقیقی که کرده و هزینه‌هایی که می‌نماید سعی بر آن دارد که فرهنگ پست و ابتذال غرب را به کشور عزیزمان تحمیل نماید. از سویی هم در جامعه ما بستر مشروع برای ارضای غریزه جنسی جوان وجود ندارد و عناصر تحریک کننده فراوانی به صورت مواد غذایی، تصویر، فیلم، ... فراوان است عده‌ای هم که بیکار هستند ناخواسته عامل نشر فرهنگ مبتذل می‌شوند در این برهه از زمان که انقلاب اسلامی همواره مورد تهدید و تهاجم استکبار و آمریکا بوده است ضرورت دارد همیشه در برابر این تهدیدات و

تهاجمات مقابله کنیم. تأمین امنیت داخلی کشور مهم و اساسی است اگر امنیت خدشه دار شود مردم ناموس، آرامش، اقتصاد و محیط خانواده مردم خدشه‌دار می‌شود و حضور امت مسلمان و شهید پرور ایران در همه صحنه‌ها از افتخارات نظام و از ابزارهای حکومتی برای کنترل هر بحرانی است و حرکت بر اساس نظر مقام معظم رهبری ضروری است اسلام دینی بوده است که از بدو تشکیل مورد تهاجم دشمنان حق و عدالت قرار گرفته در زمان حضرت رسول (ص) ابوسفیانها و ابوجهل‌ها دشمن خونین عدل و عدالت بودند در زمان حضرت امام علی (ع) معاویه‌ها و عمر و عاصها و اکنون نیز در قالب گسترده‌تر استکبار و آمریکا درصدد است که دین مبین اسلام را ریشه کن کند. به هر قیمتی که شده است حدود و قصاص و تعزیرات شرعی برگرفته از قرآن و سنت است و دشمن این موضوع را خوب می‌داند «که حدود و قصاص در قرآن کریم آمده است» اگر در جایی حد الهی جاری می‌شود فوراً جنجال به پا می‌کند همه این جنجالها برای مقابله با دین مبین اسلام است دشمن با سرکوب شدن حکومت پهلوی احساس خطر نمود و برای براندازی حکومت اسلامی جنگ تحمیلی را آغاز کرد. دیروز با موشک و هواپیما، توپ و تانک و مواد شیمیایی به جنگ با اسلام برخاست دید که نمی‌تواند حریف شود. زیرا مسلمانان ایران تا آخرین قطره خون در مقابل آنها ایستادگی کرده و اجازه ندادند دشمن به اهداف پلید خود برسد امروز با سلاح دیگری وارد میدان شده که همان تبلیغ علیه نظام و انتشار فرهنگ غرب است می‌خواهد جوانان را تخریب کند و باورشان به دین مبین اسلام را کم‌رنگ نماید که انشأالله مسؤلین محترم نظام با نقشه‌های حساب شده این نقشه شوم دشمن را خنثی خواهند نمود.

در خصوص احیاء دادرسیها نظر خود را بیان نمائید؟
زمانی که موضوع انحلال دادرسیها در سال ۱۳۷۳ مطرح گردید. بسیاری از همکاران محترم قضائی و همچنین اساتید محترم دانشگاههای حقوق و وکلا و حقوقدانان مخالف بودند. مخالفین بر این اعتقاد بودند که دادرسیها در کشورهای مختلف وجود دارد و تجربه کشورهای مختلف است و موافقین انحلال هم اعتقاد داشتند که مراجعه مستقیم به حاکم دادگاه به قضای اسلامی نزدیکتر است تجربه ثابت نموده است که دادرسی به لحاظ اینکه نوع دعاوی که مطرح می‌گردد و بعضاً پیچیده و مشکل می‌باشد با قانون سازگاری دارد و دستگاه قضائی هم تصمیم به احیاء دادرسیها نمود.

در قانون جدید تحولاتی در سیستم دادرسی در دادگاهها ایجاد شده و آن هم تخصصی نمودن دادگاهها است که اکثر همکاران محترم قضائی خواهان آن بودند ما امیدواریم که احیاء دادرسیها هر چه زودتر به مرحله اجرا برسد. تا از حجم مشکلاتی

که به خاطر حذف آن هم این که با آن مواجه هستیم کاسته شود.

■ در خصوص عملکرد ضابطین چه پیشنهاداتی دارید؟

من از دست اندرکاران و مسئولین نیروی انتظامی درخواستی که دارم این است که سعی نمایند فاعل التصحیلان رشته حقوق را جذب این نیرو نمایند در صورتی که در هر پاسگاه و کلانتری افسر حقوق خوانده باشد پرونده‌ها با کیفیت بهتری تشکیل می‌گردد و نیازی به اعاده مکرر جهت تکمیل نخواهد بود دستورات قضائی در حداقل زمان انجام خواهد شد.

در پایان نظر کلی ندارم فقط در خصوص دادگاههای خانواده یک نظر داشتم و آن اینکه یکی از موضوعات که در پرونده‌های طلاق وجود دارد موضوع ارجاع امر به داوری است از ریاست محترم و معظم و معزز قوه قضائیه درخواست دارم نهاد داوری را در این دستگاه بر پا نمایند چندین نفر باشند که وظیفه آنها داوری باشد و این داوران در معیت داورانی که طرفین معرفی می‌نمایند اقدام به صلح و سازش فی مابین زوجین نمایند زیرا به نظر می‌رسد داورانی که زوجین معرفی می‌نمایند سعی در سازش نمی‌کنند فقط اعلام نظر می‌نمایند.

◀ فرشاد بیضا - رئیس شعبه ۲۰۶

اثبات اعسار محکوم علیه قبل از حبس

در حال حاضر با سمت رئیس شعبه ۲۰۶ محاکم عمومی تهران مستقر در مجتمع قضائی نارمک که مختص رسیدگی به دعای حقوقی است انجام وظیفه می‌نماید و دارای مدرک لیسانس از دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری بوده و ۲۸ سال سن نیز دارد در سال ۱۳۶۹ به عنوان دادیار دادرسی عمومی سابق شهرستان همدان بود و با تشکیل دادگاههای عمومی در سال ۷۴ به عنوان قاضی تحقیق همدان منصوب شد و در اواخر سال ۷۴ به سمت دادرسی دادگستری همدان و اوایل سال ۷۵ رئیس شعبه ۱۷ دادگستری همدان مشغول خدمت شد و از خرداد ۷۸ به تهران منتقل گردید و از سال ۷۹ به عنوان رئیس شعبه ۲۰۶ انجام خدمت کند.

■ در این شعبه به چه نوع دعای رسیدگی می‌شود؟
با توجه به تشخیص سرپرست محترم مجتمع نارمک از سال ۱۳۷۹ در این شعبه به دعای حقوقی رسیدگی می‌شود.

■ اوقات رسیدگی در این شعبه چند ماهه است؟
در ابتدای تصدی اینجانب در شعبه ۲۰۶ موجودی شعبه حدود ۷۰۰ قهر بوده است و در حال

حاضر موجودی کمتر از ۳۰۰ قهره پرونده وقت رسیدگی کمتر از یک ماه است و اکثر دستورات و تصمیمات دادگاه پس از اولین جلسه رسیدگی حضوراً به طرفین ابلاغ و در صورت استعلام و با مکاتبه به مراجع دیگر این استعلام تحویل ذیفع شده تا مستقیماً به مرجع مربوطه مراجعه و با اخذ جواب برای جلوگیری از اطاله رسیدگی تحویل شعبه نمایند.

■ با توجه به قسمت اخیر ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی برای صدور اعسار لازم است که محکوم علیه زندانی باشد یا قبل از زندانی شدن می‌تواند دادخواست اعسار بدهد؟ چرا؟

در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی آمده است که «هر گاه محکوم علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس) به ادعای وی خارج از نوبت رسیدگی در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و و در قسمت آخر ماده مذکور نیز آمده است « . . . بنا به تقاضای محکوم له منتعق را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیة حبس خواهد کرد» به نظر اینجانب به هیچ وجه شرط ورود به رسیدگی به ادعای اعسار حبس محکوم علیه نمی‌باشد و به نظر می‌رسد که اعتقاد بعضی از قضات در ضرورت حبس محکوم علیه ناشی از اشتباه در برداشت از مواد فوق باشد و دلیل واضح در عدم ضرورت حبس اولاً: مفاد ماده ۲ است زیرا در این ماده آورده شده که در صورتی که محکوم علیه معسر نباشد تا زمان تأدیة حبس می‌شود یعنی این امکان وجود دارد که اعسار محکوم علیه قبل از اقدام به حبس وی ثابت شده باشد و بدیهی است که اثبات آن منوط به رسیدگی در مراجع قضائی است.

ثانیاً: جمله «ضمن اجرای حبس» در ماده ۳ که به نظر می‌رسد اساساً نیازی به گنجاندن ماده فوق نبوده باز هم مؤید ضرورت حبس محکوم علیه برای رسیدگی به اعسار نیست بلکه با آوردن جمله فوق در ماده ۳ به محاکم، تکلیف شده از جهت حبس مدعی اعسار می‌بایستی پرونده خارج از نوبت رسیدگی شده و محاکم تا قبل از صدور حکم اعسار مجوزی برای آزادی محکوم علیه نخواهند داشت و ملاحظه می‌نمائید که استنباط از حبس ناشی از اشتباه از برداشت مواد مذکور است و عقلانی نیز نیست که به مدعی اعسار، تکلیف حبس شود چه آنکه احتمال دارد محکوم له درخواست اعمال ماده ۲ را نکرده باشد و در مقابل محکوم علیه تقاضای اعسار کند و منطقی نیست که قضات در این حالت قرار، رد یا عدم استماع دعوی صادر کنند.

■ چنانچه عقد اجاره به صورت مطلق تنظیم و مستأجر منفعت مورد اجاره را به شخص ثالث واگذار کند موجر قانوناً چه حقی خواهد داشت؟

در مورد این سؤال به عرض می‌رساند برابر ماده

۴۷۴ قانون مدنی در عقد اجاره اصل بر اجاره مستأجر در انتقال منافع غیر است مگر اینکه طرفین خلاف آن را شرط کرده باشند یعنی این حق از مستأجر سلب شده باشد البته در خصوص امکان تجاری که مشمول مقررات قانون موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ گردند وضعیت فرق می‌کند بدین مفهوم که صرفاً انتقال منافع توسط مستأجر موکول به رضایت یا اذن مالک (موجر) زمان انعقاد قرارداد یا زمان استفاده مستأجر و یا حتی رضایت زمان انتقال یا مجوز انتقال توسط مرجع قضائی است که طبق ماده ۱۹ قانون مذکور محاکم می‌توانند با تقاضای مستأجر و احراز شرایط مندرج در این ماده حکم به تجویز انتقال منافع در ظرف مهلت مشخص در این ماده صادر کنند والا بدون حصول موارد فوق موجر حق درخواست تخلیه دارد.

■ داشتن دانش حقوقی تا چه اندازه می‌تواند در پیشرفت کار قضائی مؤثر باشد؟

به عقیده اینجانب اساساً داشتن دانش قضائی برای تصدی امر قضا و شرفت آن امری امکان‌ناپذیر است اما در مقطع زمانی فعلی که جرائم متنوع‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند و مباحث حقوقی جدیدی نیز به جهت ماشینی شدن لوازم و سایر موارد ایجاد شده داشتن دانش بالای حقوقی هر چه بهتر و بیشتر نمود می‌نماید و ضرورت دارد که قضات و همکاران محترم قوانین را به روز در اختیار داشته باشند و آن را مورد بررسی قرار دهند و حتی به قوانین موضوعه سایر کشورها نیز دسترسی آسان داشته باشند که البته با تلاش و پیگیری مسؤولان محترم دستگاه قضائی در حال حاضر این امر محقق شده و با استفاده از دستگاههای مخابراتی و اینترنتی معضل حل گردیده است.

■ آیا احیاً دادرسی تأثیری بر محاکم حقوقی دارد یاخیر؟
احیاً دادرسی از دو جهت بر محاکم حقوقی تأثیر گذار است. از بدو تشکیلاتی با وجود دادرسی تنوع پست برای قضات محترم ایجاد شده و می‌توانند ضمن ارتقاء تدریجی در پستهای معینه به دانش خود اضافه نموده تا زمانی که در محاکم حقوقی مشغول خدمت می‌گردند تسلط بیشتری بر کار خود داشته باشند. کمالین که در حال حاضر فاصله بین مسؤولیتهای قاضی تحقیق و گروه شغلی وی با دادرسی بسیار زیاد است و اغلب قضات تمایلی به داشتن سمت قاضی تحقیق ندارند و چنانچه به عنوان دادرسی مشغول به خدمت گردند از جهت نداشتن تجربه کافی لطمانی به دستگاه قضائی وارد می‌شود و البته چون با تشکیل دادرسی اجباراً تعدادی از شواغل در محاکم می‌بایست در دادرسی فعالیت کنند و این موضوع احتمال کاهش انگیزه قضات را در بر خواهد داشت ضرورت دارد مسؤولین محترم برای حل این موضوع چاره‌ای ببینند. و اما تشکیل دادرسی از جهت دیگر یعنی رسیدگی به پرونده‌ها

◀ مریم عبداللهی - قاضی اجرای احکام کیفری

همه چیز از نظم بسیار بالایی برخوردار است

دانشجوی سال آخر کارشناسی ارشد حقوق بین الملل و از سال ۱۳۷۸ شروع به کار نموده قبلاً به عنوان قاضی تحقیق در یکی از شعب همین مجتمع مشغول به کار بوده است در این مجتمع اجرای احکام کیفری چک از مسائل غیر چک تفکیک شده است و اینجانب مدت ۸ ماه است به این قسمت منتقل شده‌ام در این مدت اجرای چک مجهز به سیستم رایانه‌ای شده تمامی پرونده‌ها به محض ورود ثبت واحد رایانه اختصاص چک می‌شوند تا در صورت برخورد با دستگیر شدگان بتوانیم پرونده‌های دیگر آنها را نیز استخراج و در خصوص اجرای حکم اقدام نمائیم. لیکن پرونده‌های زندانی دار به صورت جداگانه ثبت رایانه و دفاتر می‌شوند و با توجه به نام زندان تفکیک شده و با پوشه‌های مخصوص مرتب می‌گردند این پوشه‌ها می‌توانند بدون نیاز به بازکردن و از روی جلد اطلاعات خاصی را از وضعیت زندانی شامل تاریخ بازداشت، شماره فرار، تاریخ و شماره دادنامه، تاریخ اعلام محکومیت، میزان حبس و جزای نقدی، مشخصات شکات، شماره و تاریخ و مبلغ چک توضیحات ضروری دیگر در خصوص اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی یا ۶۹۶ سابق و رضایت‌ها به بیننده انتقال دهد بحمدالله با وجود همکاری ادارای دلسوز و مسؤول در قسمت اجرا همه چیز از نظم بسیار بالایی برخوردار است و مشکل خاصی در این قسمت ندارم یکی از اشکالات قانون چک ماده ۱۳ آن می‌باشد که صدور هر گونه سفید امضاً را ممنوع نموده است لیکن الان حتی در ادارات دولتی حسب اعطای وام به صورت رسمی افراد را وادار به دادن چک بدون تاریخ می‌نمایند. مردم نیز به دلیل مبادلات اقتصادی و عرض بودن قضیه بدون توجه به خطرات آن اقدام به صدور این نوع چک می‌نمایند که هم باعث ازدیاد پرونده‌های دادگستری هم سوء استفاده افراد سودجو می‌شود.

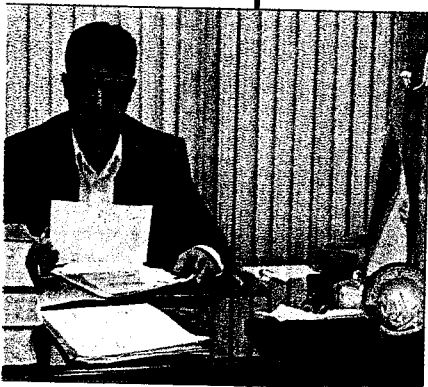
یکی دیگر از مشکلات اساسی در خصوص چک به نظام مدیریتی بانکهای کشور برمی‌گردد که کارمندان بانکها بدون توجه به مقررات موجود در خصوص صدور دسته چک بعضاً بدون احراز هویت و اخذ اوراق مربوطه اقدام به صدور دسته چک می‌نمایند.

لیکن زودون وصف کیفری از چک فقط پاره‌ای از معضلات قضائی را در این زمینه می‌کاهد زیرا ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی هنوز باقی است اما با نبودن وصف کیفری مردم دیگر به اعتبار کیفری بودن چک و اینکه زندان در پی دارد به راحتی و بدون

می‌تواند مؤثر در کاهش پرونده‌های حقوقی باشد بدین مفهوم که با نصب قضات مجرب و کارکشته در دادسرا و اهتمام آنها در فصل خصومت در واقع طرح دعای حقوقی در آیند نیز مشخص است و با کمی سعی و تلاش در حل منازعه در دادسرا که معمولاً طرفین تبعیت بیشتری دارند می‌توان از بار دعای حقوقی کاست.

■ به عنوان ختم کلام ضمن اعلام مشکلات، نظرات و پیشنهادات خود را بیان نمائید.

به نظر اینجانب حتی با تشکیل دادسراها مشکلات قضا در حدی که برای مردم توقع ایجاد شده حل نخواهد شد و برای رفع معضلات فکری دیگر باید اندیشیده شود. البته وجود دادسرا خالی از منفعت نبوده و خصوصاً برای حفظ حقوق عمومی ضرورت دارد اما در جایی که بوجه دستگاه قضائی مستقل نشده و کمافی السابق از طریق دولت تأمین می‌شود و امکانات کافی و خصوصاً امکانات رفاهی در اختیار قضات و کارمندان نیست و دادگستری تهران حتی در مورد تأمین محل تشکیل عدلیه دچار مشکل است که این موضوع را ریاست محترم کل دادگستری بارها اعلام فرموده‌اند. انتظار حل کلیه معضلات و مشکلات را بدون رفع موارد فوق نباید داشت. کما اینکه اکثر قضات که تمایل خدمت در دادگستری تهران را دارند با انتقال به تهران دچار مشکلات عدیده در زمینه مسکن و سایر موارد می‌شوند و از طرف دیگر فعلاً دادگستری فاقد نیروهای کافی و منجر در تشکیلات است زیرا فقهی و علمی و تمایلی به خدمت در دستگاه ندارند و قضات با سابقه نیز به جهت فشار کاری به هر نحو ممکن از دستگاه خارج شده‌اند و تعداد قضات فعلی نیز کافی نیست. و مشخص نیست که تشکیل دادسرا چه مشکلی را حل خواهد کرد و در واقع می‌بایست تعدادی از قضات محاکم را به دادسرا منتقل نمود و تعداد شعب دادگاه کاهش یابد که این امر تأثیری بر روند قضائی نخواهد داشت بلکه صرفاً رسیدگی به مسئله کیفری در دو مقطع انجام می‌شود که فعلاً نیز قضات محترم با جدیت، وظایف دادسرا را انجام می‌دهند و اما برای دادگستری تهران به نظر می‌رسد که به جهت وضعیت فیزیکی شهر تهران و تضییع در تردد ضرورت داشته باشد که از هر مجتمع قضائی به صورت یک دادگستری استفاده شود بدین معنی که در هر مجتمع دادسرا و دادگاههای حقوقی و کیفری و حتی دادگاه خانواده و اطفال وجود داشته باشد که البته مراد از تقسیم کار در حوزه قضائی تهران نیز همین بود تا دسترسی مردم به دادگستری سهل و آسان باشد و از طرفی با شناختی که قضات از منطقه محدود قضائی خود دارند و در بسیاری از موارد تحقیق و معاینه محلی نیز برای احراز واقع ضرورت دارد که قانون باید توسط قاضی انجام پذیرد تا این امر امکان پذیر گردد.



▲ فرشاد بیضاء

شناخت صادر کننده چک قبول نمی کنند زیرا چک نیز همانند سفته شده و مسؤولین فکر تازه ای جهت ساماندهی اقتصاد کشور می نمایند.

تا به حال حکم اعسار در خصوص بسیاری از زندانیان صادر شده به این نحو که بعد از تحمل مدت حبس تعزیری حبس بدل از جزای نقدی کسانی که به خاطر اعمال ماده ۲ در زندان هستند با صدور حکم اعسار آزاد می شوند بدون اینکه دیناری بابت بدهی های خود به طلبکاران بپردازند، بنابراین می توان یکی از راههای کسب درآمد برای افراد را همین روش دانست.

یکی دیگر از معضلاتی که در جامعه اسلامی ما وجود دارد ازدیاد افراد ریادهنده و ریگیرنده می باشد. یا اینکه در دین مبین اسلام این موضوع بر شدت نهی شده لکن متأسفانه این افراد وجود دارند و قانون چک نیز را برای آنان هموار ساخته است. در حال حاضر ۱۷۱ زندانی در بخش چک موجود می باشد.

عباس جعفری دولت آبادی - سرپرست مجتمع قضائی نارمک

بیشترین ضربات از تغییر تند ساختاری

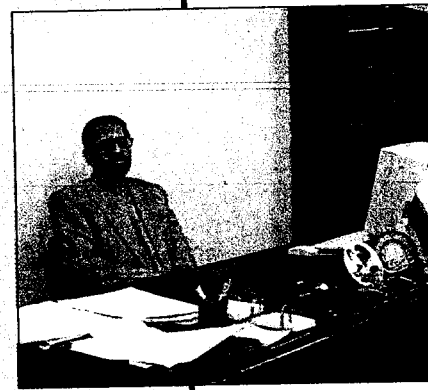
قبل از هر چیزی از معاونت آموزش تشکر می کنم در خصوص اطلاع رسانی که از نقاط ضعف قوه قضائیه در سیستم ارتباطی آن بود در زمان جناب آیت اله شاهرودی این تقیضه رفع شد که به کراز به آقای زندی عرض کردم که یکی از آرزوهای من این بود که قضات بتوانند حرفهایشان را بهم بزنند و واسطه باشد و آن واسطه بتواند آن حرفها را منتقل کند و افکار و ایده های قضات تبادل پیدا کند این نقص به شدت احساس می شود و خوشبختانه در ریاست جدید قوه قضائیه و هم رئیس کل دادگستری استان تهران این تقصیر مرتفع شد.

بنده فارغ التحصیل دانشکده علوم قضائی می باشم. از سال ۱۳۶۶ در دادیاری تهران شروع به کار قضائی نمودم تحت عناوین سرپرست ناحیه ۵۶ دادیاری عمومی تهران و قسمتهای مختلف دادسرا فعالیت داشتم از سال ۱۳۷۳ به لحاظ تغییر مدیریت به دادگستری استان تهران منتقل شدم و در امور ستادی و مدیر امور مرکزی حوزه ریاست مشغول فعالیت شدم از سال ۱۳۷۸ به عنوان معاون رئیس کل و سرپرست نارمک تاکنون مشغول به خدمت می باشم برای موفقیت در سیستم قضائی باید ۵ ابزار عملی را در نظر قرار داد.

۱- قانون خوب که به قاضی توان کار خوب بدهد که بیشتر مشکلات قاضی از فقدان قوانین مطلوب است که حالیه مشاهده می شود که پس از هشت سال از عمر دادگاههای عمومی می گذرد به علت فقدان

قانون، مجبور به تغییر قانون شده ایم. ۲- قاضی خوب و مجرب است دستگاه قضائی خوب باید قاضی خوب و مجرب داشته باشد با قاضی بی تجربه و فاقد علم ضروری نمی شود موفق شد ۳- دستگاه اداری کارآمد است، ما در بخش اداری مشکل جدی داریم خود دستگاه هم می داند که قاضی خوب بدون دستگاه اداری سالم و خوب و کارآمد کار پیش نخواهد رفت. ۴- ابزار چهارم پلیس کارآمد است در این بخش ناکارآمدی پلیس برای ما هم مشکل داشته است چرا که اگر قاضی و قانون خوب و دستگاه اداری قوی نتواند از پلیس به نحو مطلوب استفاده کند از ارزش کار کم خواهد شد بعد از انقلاب با تشکیل پلیس قضائی امید بود تقیضه ها تا حدودی برطرف شود، چرا که پلیس قضائی دست قوه قضائیه بود ولی متأسفانه با انحلال پلیس قضائی و تمرکز در نیروی انتظامی این مشکل بیشتر شد و الان مشکل اساسی دستگاه قضائی به نظر من عدم کارآمدی پلیس در انجام وظایف خود است.

حال یا به لحاظ تراکم کار در دستگاه پلیس که تنوع دارد و هم اینکه می توانستیم پلیس مان را آن طوری که باید کارآمد کنیم، پلیس از کسی دیگر فرمان می گیرد و از کس دیگر درجه می گیرد و دستگاه ما در درجه ۲ یا ۳ خواهد بود و ما باید با پلیس قضائی را به طور قوی احیا کنیم یا طوری پلیس را تفکیک وظیفه کنیم که کار ما را نیز به همان اهمیتی انجام دهد که در دستگاههای دیگر انجام می دهد. ۵- ابزار پنجم که به این چهارتا اضافه می شود ساختار دادگاهها است ما بعد از انقلاب همیشه این ساختارها را به هم زدیم و تا حال بعد از انقلاب ۴ بار تغییر کرده است. دادگاههای صلح درست کردیم، دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ و کیفری ۱ و ۲ درست کردیم، دادگاههای عمومی درست کردیم دادسراها درست کردیم، و چند سال دیگر یقین بدانید دادسراها جواب نمی دهد باز یکسری دیگر، دستگاه قضائی الان بیشترین ضربات را از تغییر ساختارهای تند و سریع می خورد ما این پنج ابزار را باید با هم هماهنگ کنیم قاضی خوب، قانون خوب، دستگاه کارآمد، پلیس و یک ساختار مناسب و پاسخگو، نمی شود که ما همیشه به هم بریزیم و توقع داشته باشیم کارها انجام شود تا قوه قضائیه باز برای دورانی به ثبات برسد، در بخش ساختارش نمی شود خطاها تا مانها ادامه داشته باشد این تجربه تلخی است تجربه تلخ ۸ سال پیش انجام دادیم حال داریم به هم می ریزیم و من الان برای خودم نمی دانم که پنج سال بعد یا ۱۰ سال بعد دوباره به هم می خورد یا نه دادسرای نظامی ۲۰ سال است ساختار دارد و ثبات نسبی دارد و می داند چکار می کند ولی ما در بحث ساختاری، نه ما می دانیم، نه قانون می داند، نه مردم می دانند، همینطور تغییر پشت تغییر حتی به نظر من، حقوقدانان سرگردان شده اند که مطالب مربوط به امور ساختاری ۲ سال دیگر عوض



عباس جعفری دولت آبادی ▲

شود. ما در بابت این ۵ عامل با هم هماهنگ کنیم. مخصوص در بحث ساختاری به ثبات برسیم حال این ساختار اگر ناقص باشد این ساختار را نگه داریم. تا آهسته آهسته ثباتی حاصل شود اما در گذشته ما ۸۰ طرح ناتمام داشتیم ولی موفق بودیم داسراها که ۸۰ سال ثبات داشت و موفق بود تغییراتش اندک اندک بود تغییرات جزئی بود و نباید پشت سرهم تغییرات باشد. و ما باید از این تجربه درس بگیریم که در ساختارها متوقف شویم اگر می‌خواهیم تغییراتی بدهیم با فرصت بیشتری انجام دهیم این ابزارهای مقدماتی است که فکر می‌کنم ضرورت دارد یکسری قصوری وجود دارد که ما باید بها بدهیم که عبارتند از اول اکرام و احترام، قاضی باید در جایگاه قاضی پیدا شود امروز قضات احساس می‌کنند که آن جایگاه را ندارند این خیلی مهم است آیا خودشان مقصراند، مردم توقعاتشان بالاست، مردم جواب نمی‌گیرند، ما به هر جهت باید کاری کنیم که این جایگاه به هم نخورد فرد ممکن است مشکل داشته باشد، ضعف عمل کند، پاسخگو نباشد اما جایگاه قضاوت باید کماکان رفیع بماند اگر این جایگاه در این سیستم شکسته شود مطمئن باشید جایگاهها هم می‌شکند این چیزی است که دستگاه قضائی باید مدنظر داشته باشد و به قضات اکرام نماید و الان اینطور شده که چه کسی به حرف قاضی گوش می‌کند چه کسی به قاضی احترام می‌گذارد به او می‌گویند اینکار را بکن این کار را نکن در حالی که هم در قضا اسلام قاضی از مقام بسیار بالائی برخوردار است و هم از شمول ولایت است و هم در دستگاه قضائی و اجرایی قاضی نقش والاّی دارد و ما بحث استقلال قضات که هست اگر رفیع باشد و استقلال هم در رأی قاضی باشد، کل کارها انجام می‌شود موضوعی که باید در دستگاه قضائی به آن توجه شود بحث استفاده از سیستم‌های موجود در دنیای امروز است. ما با سیستم فرسوده جاری نمی‌توانیم غلبه کنیم به مشکلاتمان ما هنوز کماکان در خم مشکل اطاق و ساختمان دفتر و کارمند هستیم بعد فشار کار پشت درهای ما آمده، مردم جواب نمی‌گیرند، پاسخ نمی‌گیرند، بعد برای کاری که می‌شود یک دقیقه انجام داد دو ماه طرف می‌آید و می‌رود یعنی باید کاری کنیم که دادگستری و قوه قضائیه از این سیستم به روز برسد اگر این کار را بکنند به نظر من بخش عمده‌ای از رفت و آمدها کم می‌شود و ارباب رجوع اگر زود جواب بگیرد هم دلگرم می‌شود و هم وقت او هدر نمی‌رود.

نکته سوم بحث مدیریت است؛ هم بها بدهد و هم یک میدان مهمی برای مدیریت باز کند، ما هرگاه مدیر موفق داشتیم، موفقیت برابمان بوده است و هر گاه مدیر ناموفق بوده برابمان شکست بوده است حتی اگر از نظر ساختاری مشکل داشته ایم قوه قضائیه برای موفقیت در پی تقویت مدیران قوی و کارآمد باشد الان برای ۵ سال دیگر برنامه ریزی کند که مدیران تقویت

کند که آنها بتوانند با همه مشکلات فعلی موفق باشند اگر این کار را نکنند قوه قضائیه وضع بدتر از این خواهد داشت چون ما با این توضیحات که دادم اگر بخواهیم خودمان را با این وضع تطبیق دهیم کار ما را از پای درخواهد آورد، نکته بعدی از بحث مدیریت امور مالی است، در دستگاه قضائی سیستم اداری قضائی ما انتظار بیشتری دارد دستگاه قضائی اقداماتی انجام داده ولی کافی نیست کماکان مشکلات مالی و رفاهی وجود دارد و قضات رانج می‌دهد قاضی هنوز مستأجر است باید برود در دستگاه اجرایی شرکت کند همایش بدهد باید در دستگاه اجرایی برود برای خودش این هم اگر توجه بشود مؤثر خواهد بود و آخرین نکته که باید توجه شود بحث علمی است که قوه قضائیه روی افزایش توان علمی قضات دارد کار می‌کند و کمک می‌کند به آن بحث قاضی مجرب و باید به تمام علوم جدید در دنیای امروز مسلط شویم و اطلاعات جدید در اختیار داشته باشیم که بتوانیم موفق باشیم فکر می‌کنم در این ۵ عامل خارجی و ۵ عاملی که گفتیم و یک مدیر دفتر قوی و کارآمدی عجیب شود به مرور همه مشکلاتمان حل خواهد شد و طبعاً می‌تواند آثار بهتری داشته باشد. و در غیر این صورت روز بروز مشکلاتمان بیشتر خواهد بود، یک سؤال مطرح می‌کنم و سؤال این است که چرا نه مردم از دستگاه قضائی راضی هستند نه خود قاضی راضی است نه کارمند اینجاست که باید دید مشکل ما کجاست چرا اینهمه ناراضی وجود دارد در نتیجه سؤال مهمی است که ما در کجا قرار گرفتیم چه مشکلی وجود دارد که قاضی، کارمند، مسؤولین همه گله دارند و ناراحت هستند اینجا یک گیر وجود دارد که راندمان کار اینطور شده است. قوه قضائیه باید فکر کند که یک کار اساسی برای این مشکل انجام دهد و آن بازسازی افکار عمومی است نسبت به دستگاه قضائی است یعنی بتواند جایبندازد که دستگاه قضائی احقاق حق می‌کند و به حق خود می‌رسد و این افکار عمومی آماده شود و بازسازی افکار عمومی و اینکه مسلم شود که فردی می‌رود و حق خود را می‌گیرد و طرف بترسد خوب است اما اگر بگوید که هر کار می‌خواهی بکن که کفشت پاره شود همان چیزی که الان وجود دارد پس باید تصمیم اتخاذ شود که افکار عمومی ایمان پیدا کند که دستگاه قضائی دستگاه احقاق حق است و هیچ کس در این دستگاه یعنی دستگاه عدالت اینطور نیست اگر دلیل مدرک باشد احقاق حق می‌شود فکر می‌کنم که خیلی فاصله تا این داریم. و من خود می‌گویم بروید انشا... به حق خود می‌رسید و اما در مجتمع قضائی نارمک، این مجتمع از ضلع شمالی خیابان پیروزی و از ضلع جنوبی خیابان رسالت از غرب تا بومهن و از شرق بخشی تا چهار راه سیلان و بخشی تا میدان امام حسین حوزه قضائی ماست و با منطقه ۸ شهرداری و بخشی از منطقه ۱۳ و کلاتری ۱۲۷، ۱۲۸ و ۱۴۷ و بخشی از آگاهی شمال هم در حوزه

این مجتمع می‌باشد این منطقه از مناطق قدیمی است و بخش اعظم آن را مسیحیان تشکیل می‌دهند و مردم در کنار هم سالها زندگی آرام بخشی داشته‌اند. و اسلام نیز دین محبت می‌باشد و اینجا منطقه حساسی است از کل کشورها هم بوده مشکل عمده این منطقه چک، تصادف، سرقت است این منطقه مردم خوبی دارد در ابتدا موجودی خیلی زیاد بود در سال ۷۸ - ۵۶۶۸ پرونده بوده که الان به ۱۳۳۲ فقره کاهش یافته است. در طول ۴۵ ماه گذشته حدود ۴۳۳۶ فقره کم شده و حال آنکه در طول این ۴۵ ماه ۱۰۲۵۱۶ وارده داشتیم و ۱۰۶۸۵۲ مخنومه داشته‌ایم در اینجا در مورد مدیریت مجتمع به چند اصل بها داده‌اند که بی تأثیر نبوده است اولاً بین قضات جو دوستانه و صمیمی بوده است و سعی شده است که کار مردم تحت الشعاع چیزی نشود و چون احساس می‌کنم که برای بهبود کار تلاش می‌کنم خارج از توان فعالیت می‌کنیم وقتی شما این آمار را نگاه کنید و الان با حدود صد هزار وارده چهار هزار وارده کم شده است و وقت رسیدگی حدود ۱۰ روز که برای برخی وکلا غیر قابل قبول است که دوستانه‌ای بوده که بین مدیریت و قضات برقرار بوده است و واقعاً تجربه شده که رابطه صمیمی بین مدیر و قضات خوب است و قاضی نباید نگران مدیرش باشد که مدیرش با او چکار می‌کند و باید بداند که مدیرش دنبال کار او می‌رود و این در اینجا تجربه موفقی بوده است و ما هر روز ارتباط خوبی داریم و جلساتی داریم و باعث ایجاد رابطه حسنه، بین مدیریت و قضات دلگرمی است و باعث شده که قضات تلاش مضاعف کنند تجربه دیگر این است که به همکاران هم گفتیم که ما برای مردم کار می‌کنیم مردم را نمی‌توانیم سرگردان کنیم اینکه حق با مردم نیست و نمی‌شود جواب داد فرق می‌کند باید پاسخ داد لذا چه در بخش قضائی و یا اداری سعی شده که کسی بی جواب نماند و به همین دلیل خودم هر روز با مردم ملاقات دارم و اینکه اگر چه انرژی زیادی از من می‌برد ضمن اینکه ارجاع هم می‌کنم و همین ملاقات همه روزها با مردم مؤثر هم بوده و نتایج خوبی داشته است خلاصه سعی شده که مردم جواب بگیرند و خوب بوده است. در بحث مدیران، هر هفته با مدیران دفاتر جلسه دارم اگر مشکلی باشد مطرح شود و این باعث شده است که دیدگاهها و نظرها و پیشنهادها مطرح می‌شود کار دیگری که در این مجتمع خیلی سرمایه گذاری شده است و وقت زیادی گذاشته‌ام بحث زندانیان بوده است زندانیان همیشه در دادگستری جایگاه پایین داشته است به لحاظ اینکه متولی نداشته است من در صدد رفع این مشکل بودم که این مشکل حل شود و به همین دلیل دفتر نظارت زندان و یکسال و نیم است که درست شده است و کلیه پرونده‌ها پیگیری می‌شود تا به نتیجه برسد و امروز با قاطعیت می‌توانم بگویم که تعداد زندانیان ما چند تا می‌باشد که سؤال مشکلی است

چون زندانیان در حال تغییرند زندانیان چک ۱۰۱ نفر داریم زندانیان غیرچک ۱۰۳ نفر داریم و اجرای احکام مدنی ۸۳ نفر داریم. اجرای احکام کیفری کامپیوتر گذاشته‌ام در غیر چک قاضی گذاشته و اسامی تمامی زندانیان غیر چک و چک در کامپیوتر می‌باشد و تمام مشخصات معین می‌باشد و نتیجه خوبی گرفته‌ام و خلاصه در بحث زندانیان موفق بوده‌ام و باید همیشه دقت شود و باید گفت زندانیان همیشه معضل دستگاه قضائی بوده‌است و اگر کسی به آن بها ندهد این معضل حل نمی‌شود در چند ماه اخیر به شدت توجه شده و حتی قاضی تفکیک در اجرای کیفری گذاشته‌ام برای اجرای چک، غیر چک حتی بایگانی هم تفکیک شده است بایگانی چک از غیر چک جداست و کاملاً پرونده‌های زندانی دار تحت نظر هستند و پیگیری می‌شود تا شکایت به حقتشان برسند و همین باعث شده خیلی از زندانیان به علت پیگیری آزاد شوند. و طبعاً با این نظارت و پیگیری گسترده باید گفت در بخش زندان مشکلات ما حداقل شده است ضمن اینکه باز مشکل داریم در بحث نظارت زندانیان خیلی تلاش شده است در بحث اجرای احکام نیز سعی شده قضات خوبی هستند و اقدامات خوبی شده است و سعی شده کار نماند و به روز شود و به وقت باشد. در بخش ارشاد سعی شده دادخواست‌ها تکمیل شود کار دیگر در مورد ظاهر این مجتمع بوده است و سعی شده ساختمان اداری شود.

چون سیستم مسکونی بوده از وضع نابهنجاری برخوردار بود و الان اتاق‌ها شماره دارد زیرا که مردم فکر کنند به یک اداره آمده‌اند و سعی شده این وضع ظاهر حفظ شود در بخش کیفری سعی شده که فشار کمیت از کیفیت نکاهد و من وضع این مجتمع را رضایت بخش می‌دانم و اما در بحث دادسرا که تاکید دارید و وجود دادسرا که آیا می‌تواند ما را نجات بدهد، در اول گفتم دادسرا بخشی از آنهایی است که گفتیم، به تنهایی نمی‌تواند مشکل گشا باشد دادسرا قبلاً وجود داشت، به عنوان مشکل مطرح شد و حذف کردند، الان به عنوان امید نجات دارند مطرح می‌کنند. مشکلات قوه قضائیه به وجود یا فقدان دادسرا نیست. مشکلات عمده ما زیادی کار و کمبود کادر قضائی و اداری است تا زمانی که این ابزارها عجین نشود مشکلات ما وجود خواهد داشت حال شاید دادسرا بخشی از مشکلات را حل کند ولی ملکه نجات بخشی نخواهد بود و اما در مورد اجرای احکام توجه خاصی شده است مدنی از کیفری در اینجا جداست در مدنی یکی از معاونین مستقر شده است در کیفری نیز به دو بخش عمده چک و غیر چک تفکیک نموده‌ام. قسمت چک جدا شده است تا پس از احیاء دادسرا مشکلی نباشد و بخش غیر چک هم به لحاظ اهمیت قاضی ویژه انتخاب کردیم که

فقط کار زندانیان غیر چک را انجام می‌دهد و در این بخش خیلی موفق بوده‌ام و خیلی زندانیان به لحاظ رد مال عدم پرداخت دیه یا عدم توان پرداخت جزای نقدی اینها شناخته شدند و پیگیری شده و خیلی‌ها آزاد گردیده‌اند.

خوشبختانه این تجربه قاضی ویژه زندان خیلی خوب بوده و اگر روی آن کار شود آثار خوبی دارد مخصوصاً برای مردم، مردمی که می‌دانند مرجعی برای امور زندانیان خواهد بود غیر از اینکه مجموعه دفتر زندان حوزه ریاست هم به کمک سیستم اجرای احکام وجود دارد و زندانیان از این حیث به ملاقات، مرخصی و آزادی برسند. اجرای احکام ما در وضع خوبی بسر می‌برد چون خیلی وظایفشان تفکیک شده مدنی، چک و غیر چک این تفکیک باعث شده تا حوزه‌های کاری مشخص شود بطوری که با قاطعیت می‌توانم بگویم وقت‌های ما بسیار نزدیک است و در غیر زندانیان هم کار تقریباً به روز است و خلاصه در اجرای احکام موفق و آثار خوبی داشته‌ام.

ویژگی‌هایی که باید در حوزه قضائی باشد اولین شرط توانائی علمی است یک سرپرست باید توانائی علمی زیاد داشته باشد اگر می‌خواهد موفق باشد سرپرستی که نمی‌تواند باید کار را به دیگران واگذارد نماید و توانائی علمی سرپرست مربوط به حوزه کاری می‌باشد و در حوزه‌ای که توان علمی سرپرست زیاد باشد قضات بیشتر مراجعه می‌کنند و رابطه علمی خوبی برقرار می‌شود برای مشورت مراجعه می‌کنند و هم قضات توان علمی بالاتر خواهند داشت.

■ برخورد مدیر با کارکنان باید چگونه باشد؟

برخورد باید توأم با احسان باشد ریاست مستلزم صعه صدر است باید مدیر قلب بزرگی داشته باشد تا بتواند همه سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها را در خودش هضم کند یک مدیر کم حوصله و غیر فعال نمی‌تواند موفق باشد الان هم که دستگاه قضائی مخصوصاً در بخش اداری خیلی دچار مشکلات مالی هستند کارمندان انتظار بیشتری از مدیرشان دارند لذا برخورد مدیر با زیر مجموعه برخورد توأم با احسان باید باشد اما این به این معنا نیست که از تخلفات چشم پوشی شود چرا که برخی به حقوق مردم بر می‌گردد بخشی از آن قابل اغماض است آنها که مربوط به حقوق مردم است نمی‌شود اغماض کرد اما در بخشی که موجب تضییع حقوق مردم نیست با توجه به فشار کار باید برخورد مدیر توأم با احسان و مهربانی باشد و برخورد خشن خوب نیست لذا اگر مدیر صعه صدر داشته باشد صبر و گذشت هم داشته باشد خیلی خوب است.

■ در خصوص مسائل رفاهی؟

متأسفانه در این بخش اختیارات ما محدود است در بخشهایی که می‌توانستیم انجام بدهیم مثل واگذاری ماشین و غیره اما ما راضی نیستیم چون اختیارات بیشتری نداریم بخصوص در بخش اداری، متأسفانه ابزار کافی در این بخش نداریم و باید

دادگستری استان متولی این کارهای رفاهی باشد ولی من در حد وظیفه خودم و اختیارات سعی کرده‌ام مشکلاتشان را حل کنم به عنوان نمونه ما توانستیم کارمندان زیادی به مشهد بفرستیم و این خیلی بازتاب خوبی داشته آخرین مورد نه نفر اعزام کردیم دوره‌ای ۷ نفره یا شش نفره اعزام کردیم و بازتاب خوبی داشته در ماه مبارک افطاری ترتیب دادیم، اما اینها رضایت بخش برای من نیست توقع بیشتر از این است بخش رفاهی دستگاه قضائی محجور است غریب است یا باید به ما اختیار بدهند یا خودشان متولی این کار باشد و من در حد توان خودم و کاری که به ذهنم می‌رسیده است انجام داده‌ام و همین رضایت بخش بوده.

■ بهترین قاضی و کارمند را معرفی نمائید؟

این که من بخواهم فرد معینی و خاصی را معرفی کنم باعث تأثر خاطر می‌شود. همه آنها خوب کار کرده‌اند همه قضات و کارمندان خوب کار کرده‌اند و ما را از این بخش معاف کنید که اسم بیاورم که البته شاید مدیون باشیم ولی همه خوب کار کرده‌اند و نیروهای خوبی دارم و اگر نمونه بگویم خوب نیست.

■ بهترین خاطره قضائی خود را به تعریف کنید؟

یک زمانی خانم مسیحی هدیه آورد گفتم برای چی آورده‌ای پیگیری کردم دیدم کارش هم انجام شده بدون اینکه هیچ گونه اقدام منفی انجام شده باشد و او فکر می‌کرد چون مسیحی است دستگاه ما پیگیری نمی‌کند وقتی که متوجه شده در دستگاه قضا اسلامی کارش پیگیری شده است می‌خواست رضایت خود را از کار مجتمع اعلام کند گفتم قاضی نیاز ندارد و هدیه شما اگر چه یک دسته گل می‌باشد ولی این هدیه آن زحمات را از بین می‌برد و گفتم که اگر این نگرش‌ها را عوض کنیم خیلی از مشکلات حل خواهد شد یعنی وقتی طرف مسیحی بوده و احساس می‌کرده حقتش تضییع می‌شود ولی بعداً به حق خود رسیده است طبیعی است نگرش او عوض می‌شود و این خاطره خوبی برای من بود و ما می‌توانیم با کار خوب با همه مشکلات موجود موفق باشیم و مردم هم از دستگاه قضائی راضی شوند.

■ عباس ذاقلی معاون قضائی مجتمع و سرپرست اجرای احکام کیفری

از صدور قرار کفالت خودداری کنید

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دارای هشت سال سابقه کار قضائی و تا کنون در سمت‌های قاضی تحقیق - دادرس و محاکم عمومی و سمت فعلی معاون مجتمع قضائی نارمک و سرپرست اجرای احکام کیفری می‌باشد.

در این مجتمع به لحاظ اهمیت خاصی که برای اجرای احکام صحیح قائل شده‌ام اولاً اجرائی احکام

کیفری از اجرای احکام مدنی جدا می‌باشد و مسوولیت اجرای احکام مدنی نیز به عهده معاون محترم دیگر مجتمع می‌باشد. در اجرای احکام کیفری نیز به لحاظ تعداد زیاد احکام راجع به چک و به جهت سهولت گردش امور و دسترسی بهتر و سریع‌تر به اطلاعات لازم و بالتبع خدمت بهتر به مراجعین اجرای احکام چک نیز به صورت یک شعبه خاص و البته تحت نظارت واحد اجرای احکام کیفری فقط به اجرای احکام چک می‌پردازد و متشکل از یک نفر همکاران محترم قضائی، بایگانی رایانه و کارمندان اداری است. همچنین پرونده‌های زندانی دار نیز به صورت مجزا و تحت نظر یک نفر دیگر از همکاران محترم قضائی و بایگانی و کارمندان اداری و رایانه مجزا به رتق و فتق این نوع پرونده‌ها می‌پردازد که این موضوع تاکنون در هیچکدام از مجتمع‌های قضائی سابقه ندارد و به همین لحاظ تمامی زندانیها تحت مراقبت و توجه خاص همکاران محترم قضائی هستند و از بسیاری از مشکلاتی که ناشی از عدم توجه به اشخاص زندانی است جلوگیری می‌کند.

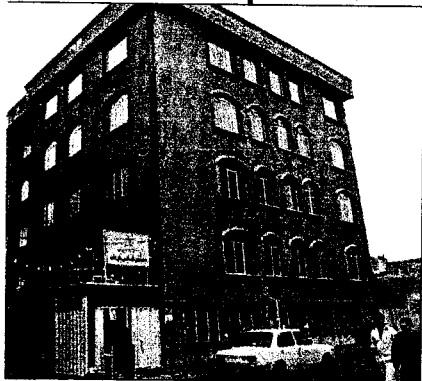
ما در این اجرا از نیروهای بسیار خوب اداری و قضائی خود بهره می‌بریم که جا دارد از همه این عزیزان که علیرغم مشکلات خاص این واحد با جدیت کار می‌کنند تشکر می‌کنم و به طور کلی از وجود سه همکار محترم قضائی (قاضی تحقیق) و ۱۲ نفر کادر اداری در اجرای احکام استفاده می‌کنیم و وارده اجرا نیز ماهیانه در حدود ۸۰۰ پرونده می‌باشد که به همین تعداد و بلکه بیشتر مخومه می‌نمائیم. انتظار ما از مسؤولین دادگستری این است که اگر واقعاً به گفته‌های خود مبتنی بر پر اهمیت بودن واحد اجرای احکام اعتقاد دارند این موضوع را در عمل به منصفه ظهور برسانند زیرا آنچه در عمل مشاهده می‌شود چیزی غیر از این نیست که به گونه‌ای با اجرای احکام رفتار شده که حتی این ذهنیت به وجود آمده که هر کس را بخواهند گوش مالی دهند به اجرای احکام منتقل می‌کنند به گونه‌ای که بسیاری از کارمندان از انتقال به اجرا می‌هراسند البته بنده به آنها حق می‌دهم زیرا شما تصور کنید یک نفر کارمند اجرا از ابتدا وقت اداری تا انتقض آن و بلکه بعد از آن به خاطر ارسال پرونده‌های فوری از شعب به اجرا بدون هیچگونه وقفه‌ای مشغول کار اداری است اما اگر همین مقدار کار را در شعبه انجام دهد چندین برابر بیشتر کارانه می‌گیرد که حتی از حقوق ماهیانه وی هم بیشتر خواهد شد اما در اجرای احکام به خاطر بی توجهی به این موضوع کارانه، این خبرها نیست بنابراین هیچ کارمندی نه تنها رغبت به خدمت در این واحد را ندارد بلکه هر اسان و فراری است و این موضوعی است که به نظر ما بایستی مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

در مورد مشکلات اجرای احکام نیز بایستی چند نکته را متذکر شد. ۱- در خصوص جلب محکومین

کار به بن بست رسیده زیرا کلاترهای مطلقاً در این زمینه کارایی ندارد بنده حدود یک سال در اجرای احکام مشغول به کار هستم و حداقل ماهیانه ۱۰۰ برگ جلب صادر می‌کنیم و به کلاترهای می‌فرستیم و در این مدت حدود ۱۲۰۰ برگ جلب فرستاده‌ایم اما اگر بگویم به تعداد انگشتان دست مجلوب داشته‌ایم حرفی به گزاف نگفته‌ام که عرض کردم اجرای احکام اقتدارش در اجرای حکم در کوتاهترین زمان است و این نیز مستلزم جلب محکومین است. بنده پیشنهادم این است همان گونه که با تأسیس واحد ابلاغ دادگستری معضل بزرگ ابلاغ بحمداله حل شده با تأسیس واحدی مانند واحد عملیات دادگستری امر جلب محکومین نیز حل شود تا دادرسیهای انجام شده با آن مشکلات و گرفتاریهای آنچنانی بیهوده ننماید. ۲- از همکاران محترم قضائی به جد می‌خواهم از صدور قرار کفالت و آن هم کفالت با مبلغ ناچیز خودداری کنند زیرا به خاطر اینکه تغییرات اجتماعی از لحاظ جغرافیایی سکونت اشخاص در سطح تهران زیاد است و پس از گذشت مدت زمان کوتاهی دسترسی به کفیل غیر ممکن است و این واقعاً باعث تضییع بیش از پیش حقوق متضرر از جرم است.

پیشنهاد مشخص من این است که حتی الامکان از صدور این نوع قرار خودداری کنند و در صورت صدور، بهترین کفیل کارمندان رسمی دولت هستند که البته بایستی کفالت به اندازه وسیع آنها باشد و در موقع صدور قرار قبولی کفالت فتوکپی کارت شناسائی محل خدمت و حکم کارگزینی آنها نیز اخذ شود. ۳- قانون آئین دادرسی کیفری از جهت لزوم ابلاغ واقعی به کفیل و وثیقه گذار محتاج به اصلاح است زیرا این الزام قانونی بسیار بزرگی است در راه اجرای به موقع احکام کیفری مضاف بر اینکه به نظر می‌رسد با سایر مقررات همان قانون ناهماهنگ است. تصور نمائید اگر شخصی محکوم به اعدام شود و دادنامه صادره ابلاغ قانونی شود انتقضای مهلت بعد از ابلاغ حتی اگر طبق ماده ۷۰ قانون آئین دادرسی مدنی ابلاغ شده باشد موجب سقوط حق تجدیدنظر خواهی است اما برای اینکه به ضامن ابلاغ نمائیم محکوم علیه را معرفی نمائید الزاماً بایستی ابلاغ واقعی به شخص خودش صورت گیرد که البته کاری است بسیار دشوار و بعضاً غیر ممکن. پیشنهاد این است حداقل قانون به نحوی اصلاح شود که ابلاغ طبق ماده ۶۹ قانون آئین دادرسی مدنی قابل ترتیب اثر باشد تا از بار مشکلات کاسته شود و هم اینکه فلسفه ابلاغ به ضامن رعایت شده باشد.

در مورد قانون احیا دادرسی نیز اعتقاد دارم تغییر مداوم سیستم و شیوه دادرسی مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه مشکلات را مضاعف خواهد کرد. احیاً دادرسیها محتاج به نیروهای بیشتری از آنچه فعلاً موجود است می‌باشد.



▲ نمای بیرونی مجتمع نامک